

بازهم درباره "مسئله" - وحدت اتحاد - مبارزه

از همان لحظه ارائه مقاله "مسئله وحدت" (مندرج در نشر خلق ۲) به خوبی معلوم بود که این نوشته دیگر پاسخگوی نیازهای روز جنبش نیست و بایستی فصلی تازه درباره طرح عملی و مشخصی وحدت بخصوص در مورد اتحاد مبارزه بدان افزوده شود. این نیاز بویژه پس از آنکه تحلیل سازمان حکایت از روبا اعتلا بودن مبارزات توده‌ها میگردد و در نتیجه لزوم اتحاد تاکتیکی تعرضی را طرح مینماید، دوچندان شد. زیرا مسلم بود که در

شرایط پراکندگی حاکم برجسته‌ترین کمونیستی و وجود سازمانها و محفصل، گروههای متعدد مدعی رهبری طبقه کارگر (!) از یکطرف و نبود پیوند عمیق و وسیع سازمانهای م - ل با توده‌ها و بخصوص طبقه کارگر از طرف دیگر، امر هدایت توده‌ها در مبارزاتشان و ارائه یک قسطب انقلابی توسط یک سازمان به تنهایی بسیار مشکل و حتی غیرممکن است، و برای بسیج و حرکت در آوردن توده‌ها بقیه در صفحه ۲

خجسته باد اول ماه مه
روز همبستگی جهانی
کارگران

دورکاری همه بانکها
مسابقات فوتبال
روزهای مبارزه با جنگ
روزهای مبارزه با کمپوزیت



کارگران سراسر جهان متحد شوید
زنجیرهای بندگی را بشکنید
شما با آزادی‌های بزرگ خود متولدید
بهر خود کامیابی فانی آید

روزهای مبارزه با جنگ
روزهای مبارزه با کمپوزیت

بازداشت و زندانی کردن سعید سلطانپور را محکوم می‌کنیم.

نزدیک به دو هفته از بازداشت خود سرانته سعید سلطانپور شاگرد و هنرمند انقلابی، توسط رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد. در حالی که خبر بازداشت این شخصیت مبارز در سطح جهان نیز انعکاس یافته است، رژیم جمهوری اسلامی از هرگونه اظهار نظر در این مورد خودداری کرده است. علت این مسئله نیز روشن است. سران جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند، که سعید سلطانپور بخاطر مبارزاتش علیه رژیم شاه و ایمانش بتوده‌ها، در میان مردم میهن ما از محبوبیتی ویژه برخوردار است، و بخاطر همین مبارزاتش در سطح جهانی نیز شخصیتی شناخته شده است. از این رو از انتشار خبر مربوط به بازداشت وی که در ادامه سیاست سرکوب و اختناق صورت گرفته، خودداری نموده است. بقیه در صفحه ۱۸

عملکرد بودجه ۵۹،
چشم انداز بودجه ۶۰
فقر برای زحمتکشان
ثروت برای سرمایه داران
صفحه ۱۳

برآوارگان جنگ چه
می‌گذرد؟
صفحه ۹

سابقه تاریخی
خیانت‌های حزب توده
صفحه ۸

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

- در این شماره
- جنبش جهانی
- از اعلامیه‌ها... کارگران پیشرو
- جنبش کارگری
- اخبار کردستان
- برآوارگان جنگ چه می‌گذرد؟

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

بازهم درباره "مسئله وحدت"...

بقیه از صفحه ۱

های هر چه وسیعتر لزوماً با ایستی دست به اتحاد عمل های مرتب زد.

از همه بخش های سازمان واغلب رفقا بی که بنحوی در ارتباط با سایر سازمان های سیاسی بودند، بر لزوم تهیه طرح عملی و مشخص برای اتحاد مبارزه تاکید میشد و خاطر نشان میکردید که بعلمت نبود این طرح یا حرکت بیرونی سازمان دچار اختلال میگردد و بکندی پیش می رود و در نتیجه مبارزات توده ها پراکنده میماند و یا در صورت انجام دچار اشکالات اساسی میگردد.

در جریان بحث بر سر برگزاری مراسم اول اردیبهشت و بخصوص اول ماه مه (یا زده اردیبهشت) بود که با درک ضرورت تدوین طرح مشخص اتحاد عمل با سایر سازمان های انقلابی، بحث حول تعیین معیارها و ضوابطی که میبایستی بر هراتحاد مبارزه بی حاکم باشد، آغاز شد. محصول این بحث های اولیه تعیین معیارهای زیر شد:

معیارهای مادر اتحاد - مبارزه

اگرچه تعیین سرنوشت هراتحاد مبارزه بی بمعیارها و ضوابط متعددی وابسته است و ظرافتها و دقت عملهای فراوانی را می طلبد. اما در بین آنها میتوان سه معیار زیر برین را بعنوان اصلی ترین ضوابط تعیین کننده سرنوشت هراتحاد و مبارزه بی ذکر کرد:

الف: منشور (پلاتفرم): بجرات میتوان گفت که تعیین کننده ترین عامل هراتحاد و مبارزه بی و جهت تحلیل مشخص واحد سیاست واحد و معیار در دیگر پلاتفرم واحد می باشد. در مقاله "مسئله وحدت در نبرد خلق ۲ بوضوح و بدقتات بر اهمیت این عامل تاکید کرده ایم و مثلاً نوشته ایم: "نیروهای مارکسیست - لنینیست با بدسیاست اتحاد عمل مشخص حصول سیاستهای مشخص در هر زمینه مشخص یعنی سیاست اتحاد و مبارزه را پیش ببرند..." (صفحه ۸۹) بدین معنی که "هر اتحاد مبارزه مشخص منکی و مبتنی بر سیاست مشخص در یک زمینه مشخص است که بصورت بیرونی عمل و سیاست حرکت تدوین می شود. و یا نوشته ایم "بنا بر این ضروری است که در هر عمل مشخص، سیاست معین ارائه دهیم و بحث برای توافق حول اجرای این

سیاست را با سایر نیروها پیش برده و عملی سازیم." (ص ۹۶) بدین معنی که هر مذاکره برای اتحاد عمل مبتنی بر سیاست معینی است که مملکت محمول تحلیل معین نیروهای شرکت کننده می باشد و وحدت در آن مقدمه و پایه شروع مذاکره برای اجرای آن است. همینجا با ایستی تاکید کنیم که "این شکل از همکاری با نیروهای مختلف مستلزم توافق بر روی کل سیاستها میماند. توافق حول سیاست مشخص، در هر عمل مبارزاتی مشخص است." (صفحه ۹۴) این ضابطه (پلاتفرم واحد) تا بدان حد در تعیین یک اتحاد مبارزه نقش دارد که در صورت حصول حرکت با جریانهای انحرافی درون جنبش کارگری (آنا ریشته) را نیز مجاز می شمرد. اصول حاکم بر این طرز تفکر عمل کردها و رهنمودهای بنیادگذاران سوسیالیسم علمی (مارکس، انگلس، لنین) است. ما نمونه هایی از آن را در همان نبرد خلق (صفحات ۷۷، ۷۸ و ۷۹) ذکر کرده ایم. بعلاوه مصوبات بین الملل سوم (۱۹۲۲، درباره "وحدت جنبه پرولتری") موبدهمین نکته است: کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیست پس از ارائه تحلیلی که حکایت از وخامت بحران جهانی، تغییر عواطف توده ها نسبت به توهینات فرمیستی و درک لزوم وحدت عملاً اتحاد را به "توسط کارگران میکنند و تاکید مینماید که کارگران امیدوارند که ازین طریق ظرفیتها و مقادیرشان در برابر فشار سرمایه داری افزایش دهند" به حزب کمونیست ایتالیا توصیه میکند "... واضح است که حزب (کمونیست) ایتالیا نباید از بذل هیچ کوششی در راه جلب عناصر انقلابی و انارشیزم و سندیکا لیزم در عمل مشترک کوتاهی کند." (صفحه ۸)

ب: نیروی اجتماعی: همچنانکه در مقاله "بررسی اوضاع سیاسی رهنمودهایی به هواداران" (کا ۱۰۲) نیز ذکر شده است "پایگاه و نفوذ توده بی "سازمانهای سیاسی در تعیین ترکیب نیروها در یک اتحاد عمل منکی بر پلاتفرم واحد نقش فوق العاده ای دارد. بطوریکه هرگاه نیروی از کمیت و کیفیت کافی برخوردار نباشد نیروی اجتماعی نبوده، هویت سیاسی ایدئولوژیک معینی در سطح جنبش نداشته باشد، نمی توان نمود توجه به نیروهای سیاسی دارای وحدت تحلیل و سیاست مشخص قرار بگیرد. زیرا اهداف این نیروها از طرح اتحاد مبارزه رسیدن به کیفیت توحین بسیج توده بی و تا شير حرکت بر توده ها می باشد. و هرگاه در اتحاد با نیروی این کیفیت حاصل نشود، محرکی برای طرح اتحاد مبارزه باقی نمی ماند. ما در شرایط کنونی و با توجه به ضرورت طرح آلترنا تيو انقلابی، اتحاد عمل را، ازین زاویه با سازمانهای زیر

اصولی میدانیم: "راواکارگر"، اکثریت جناح چپ، "سازمان پیکار مجاهدین خلق"...

چشم انداز وحدت: از آنجا که هدف ما از اتحاد مبارزه ایجاد زمینه مناسب برای گسترش همکاری تا حدودت اصولی است چشم انداز وحدت نیز یعنی عنوان عاملی دیگر در تعیین ترکیب نیروهای شرکت کننده در یک حرکت مشترک وارد می شود. ما در نبرد خلق (۲) این مطلب را بصورت زیر توضیح داده بودیم: "هدف مرکزی کمونیستها کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریاست و تحقق هژمونی پرولتاریا محور فعالیتها و آنرا تشکیل میدهند و اینست آن درس اساسی ای که نه تنها تئوریهای مارکسیستی بلکه تجربیات جهانی پرولتاریا بما می آموزد و عدم درک عمیق آن ما را به وحدت های بدون چشم انداز و تهی از مضمون حقیقتاً انقلابی سوق میدهد و بزیروا گذاشتن بر نسبیها و فرست طلبی های لحظه ای خواهد گشاند" (صفحه ۷۴). مسلماً محصول توجه با این معیار را این خواهد شد که اساساً نیروهای طیف خط انقلابی (یا خط ۲) دارای میز بندی با سوسیال فرمیسم از یک طرف و آنارکوسندیکالیسم از طرف دیگر یا مرز بندی با سوسیال فرمیسم از یک طرف و موسیال امپریالیسم از طرف دیگر در حوزه اتحاد مبارزه ما قرار می گیرند. مسلم است که علاوه بر ضوابط و معیارهای اصلی فوق، عوامل متعدد دیگری نیز بعنوان معیارهای فرعی در تعیین ترکیب نیروها موثر است. از آن جمله میتوان از تاثیر حرکت بر توده های مردم، خط مشی سیاسی و حیثیت و سوابق مبارزاتی نیروهای شرکت کننده در حرکت مشترک نام برد.

اتحاد عمل با "راه کارگر" و "جناح چپ" در اول اردیبهشت سالروزتهاجم دولت جمهوری اسلامی به دانشگاهها برپا به چنین اصولی بود که ما پیشنهاد راه کارگر و جناح چپ (پوستر مشترک) برای اتحاد عمل در این روز را پذیرفتیم زیرا بین ما و آنها بر سر شعار روز وحدت نظر وجود داشتند با زگشائی دانشگاهها با نظام شوراها و علیرغم تحلیلهای متفاوت تاکتیک واحدی برگزیده شد. مثلاً یکی از دلایل ما در پذیرش این شکل فعالیت و نه اشکال فعالیت و موثرتر تبلیغ، توان محدود سازمان و لزوم تمرکز تمام نیرو برای برگزاری مراسم اول ماه مه بود. زیرا ما قبلاً در مقاله "طرح یک ضرورت، ارائه یک دستاورد" گفته بودیم که سازمانها با ایستی تمام نیرویشان را بر روی یک حرکت متمرکز نما بیند تا با زده و تاثیر مناسب و مطلوب از آن گرفته شود (۱) ما هر سه جریان بر سر شکل تبلیغات (پوستر) بتوافق رسیده بودند.

بقیه در صفحه ۱۷

اعتصاب کارگران پارس واریکا برای بازگرداندن کارگران اخراجی



جنبش کارگری

کارگران مبارز پارس واریکا (تولیدکننده صنایع جنرال استیل) پروفیل آلومینیوم و غیره در پی اخراج ۳۱ تن پنده شورا و یک کارگردست به اعتصاب زدند. مبارزه برای بازگرداندن اخراجیها بسرکار همچنان ادامه دارد دنبال افشاگریهای تعدادی از نمایندگان شورا در مورد سوء استفاده مالی نعمت زاده (برادر وزیر صنایع و معادن) مدیر مکتبسی کارخانه، وی از کار برکنار میشود. بدین ترتیب کارگران با نیروی اتحاد و آگاهی خویش موفق میشوند این عنصر ضدکارگر را اخراج کنند. اما از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران و دشمن کارگران است مدیر مکتبسی دیگری بجای او می نشاند. مدیر جدید از همان ابتدا چهره ضد کارگری خود را نمایان ساخته دستور اخراج ۳ نماینده شورا را میدهد. او از یک کارگر که سمت بازرسی و خروج کالا را داشت میخواند که از روز نمایندگان اخراجی جلوگیری کند. اما کارگر مذکور که به ما هیت ضدکارگری این امر بخوبی پی میبرد، از اینکار خودداری کرده و مدیر، وی را نیز اخراج میکند این حرکات ضدکارگری خشم توده کارگران را برانگیخته آنان روز شنبه ۱۱/۱۵ دست از کار کشیده و خواهان بازگشت اخراجیها میشوند. مدیر به ارگانهای سرکوب متوسل شده و ابتدا دو پیا سدا ربه کارخانه می آیند ولی تهدیدهایشان بی نتیجه می ماند. معاون کارخانه در یک جلسه سخنرانی میگوید: هر کس اعتصاب کند ضدا انقلاب است. کارگران فریاد میزنند "ضد انقلاب خودتی" و با هو کردن اودسته دسته از جلسه خارج میشوند. فردای آنروز نیز اعتصاب کارگران ادامه می یابد. دو کامیون پرا زپا سدا ران به درکارخانه می آیند، اما کارگران بی اعتنا به آنها و همچنان مصمم به مبارزه ادامه میدهند. نماینده اخراجی پس از مذاکره با مدیر به کارگران میگوید بسرکار بازگردید تا نتیجه مشخص شود. کارگران تا ۱/۱۷ برای بازگرداندن اخراجیها

روز شنبه ۱/۲۹ ۵۰۶ کارگران قسمت تکبش کارخانه بمدت یک ساعت دست از کار کشیدند و از روز یکشنبه کارگران کارخانه که به وعده وعیدهای دروغین مدیران و اعضای شورا پی برده بودند و یکپارچه دست به اعتصاب زدند. اعضای سازشکار شورا و انجمن اسلامی به شیوه های گوناگون متوسل شدند تا اعتصاب کارگران رادر هم شکنند اما پاسخ کارگران این بود که "هر موقع ۲۰ روزه حق تولید ما را برداخت کردید ما هم دست از اعتصاب برخواهیم داشت. ساعت ۳ همگان روز مدنی یکی از اعضای هیئت مدیره برای کارگران پیامی فرستاد که "کارگران باید دست از اعتصاب بردارند و اگر اعتراضی دارید می توانید از طریق تولید بیشتر نشان دهید" او در پیایش خطاب به کارگران گفت که "در همین ۶ ساعت در حدود ۱۴۰۰۰ جفت کفش ضرر داده ایم. کارگران در پاسخ میگویند اولاً چرا نمی آیی تا حرفها بت را در جمع کارگران بزنی شانیا ماکه در تمام طول سال ۵۹ جان کنده ایم و تولید کرده ایم، ۲۰ روزه حق تولید حق مسلم ما کارگران است. انجمن اسلامی کارخانه درصدد برآمد تا از طریق تفرقه اندازی بین کارگران اعتصاب را درهم شکند آنها می گفتند "اعتصاب را کمونیستها راه انداخته اند" اما کارگران با اتحاد یکپارچه خود تمام نقشه های مدیریت و انجمن اسلامی را نقش بر آب کردند اعتصاب روز دوشنبه نیز ادامه یافت. در این روز مدیریت با همکاری انجمن اسلامی مانع ورود ۲ تن از کارگران به کارخانه شد. کارگران متحدانه به طرف درکارخانه میروند تا دو همکار اخراجی خود را به کارخانه بازگردانند کارگران با ممانعت نگهبان کارخانه، روبرو می گردند سپس کارگران نمایندگان انتخاب کردند. مدیر کارخانه کارگران را تهدید بیه اخراج می کند همزمان با آن اعضای سازشکار شورا و انجمن اسلامی و سرپرستها دستگایها را روشن می کنند و کار را شروع می کنند کارگران نیز بدون نتیجه به سرکار باز می گردند کارگران مبارز در این دو روز بعینه دیدند که مدیران و انجمن اسلامی همراه با اعضای سازشکار شورا صف متحدی در مقابل آنها تشکیل داده اند کارگران در این مبارزه در عمل به ما هیت سازشکارانه برخی از اعضای شورا پی بردند. کارگران در جریان مبارزه برای کسب خواسته های خود با ید در جهت تشکیل شورای انقلابی اقدام کنند آنها با ید قدرت پراکنده خود را حول یک شورای انقلابی متمرکز کنند. تنها مبارزه متحد و متشکل کارگران ضامن پیروزی آنهاست.

مهلنت داده و میگویند پس از آن همچنان به مبارزه ادامه میدهند. اعتصاب برحق کارگران مبارز پارس واریکا پشت محکمی برده همان سرمایه داران و رژیم حامی آنها زد. آنها بدین ترتیب در عمل نشان دادند که به منافع خویش بیش از پیش آگاه شده و در مقابل تنها حاکم سرمایه داران به حقوق و سرکوب مبارزانشان به مقابله بر می خیزند. کارگران مبارز تنها با عمل مستقیم و انقلابی خویش و تنها با اتکاء به نیروی بی پایان خود خواهند توانست اخراجیها را بسرکار بازگردانند و صف متحد و متشکل خویش را در برابر سرمایه داران حفظ و تقویت کنند.

اعتصاب دوروزه کارگران جم

کارخانه جم یکی از کارخانجات گروه صنعتی کفش سازی بلا است کارگران این کارخانه از ابتدای سال نو مبارزات گسترده ای را جهت گرفتن ۲۰ روز سود ویژه (حق تولید) آغاز کردند. کارگران به اشکال مختلف دست به مبارزه زدند. سرانجام

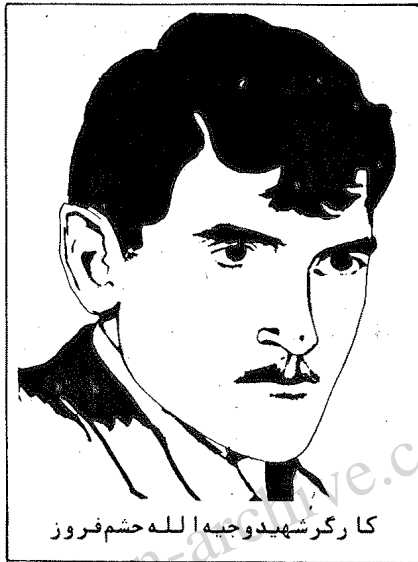


باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

گرامی باد سالروز

مبارزه دلاورانه کارگران جهان چیت

اما عزم را سخاوتها دکان کارگران جهان چیت قدرتمندتر آن نبود که بتوانند سدره آنها شوند. کارگران با مأمورین درگیر می‌شوند، آنها موفق می‌شوند ژاندارمها را بگوشه‌های نداشتن و تفنگهای آنها را بشکنند. راهیما ثانی دامه می‌یابد. در میان راه درت کارخانه‌ها را بسته بودند تا مبارزها کارگران دیگر به آنها بیایند. اما کارگران از پشت میله‌های کارخانه با تکان دادن دست به حمایت از راهیما یا ن می‌پرداختند. دولتیان و عمال فاشیح یزدی دربین راه بیش از ۱۰ بار جلوی کارگران را می‌گیرند و با وعده و وعید قصد متفرق کردن آنها را دارند. اما راهیما ثانی همچنان ادامه می‌یابد. حدود ۵ ساعت می‌گذرد. کارگران به کارونسرا سنگی می‌رسند. ما مورا نرژیم با چوب به کارگران حمله می‌کنند. درگیری مجدداً آغاز می‌شود. کارگران نیز با سنگ به آنها پاسخ می‌دهند.



کارگر شهید وجیه الله حشم فروز

دارد، صفحه زرین دیگری بر تاریخ جنبش کارگری ضافه شد و آن را غنای بخشید. بدین ترتیب مبارزات ۸ اردیبهشت سال ۵۰ کارگران جهان چیت جاودانه شد و همواره نیز جایگاه والای خود را در تاریخ جنبش کارگری حفظ خواهند نمود.

در اردیبهشت سال ۵۰ فشا راقتمندی طاقت فرسا شده بود. کارگران که دیگر تحمل این همه فشار را نداشتند برای عمده‌ترین خواست خود یعنی افزایش دستمزدها دست به اعتصاب می‌زنند. آنها ۳ روز اعتصاب خود را در کارخانه ادامه می‌دهند، فاشیح یزدی با حربه کارخانه چیت کرچ که همچون زالو از میکیدن خون کارگران، سرما به هنگامی بهم زده بود، با استفا ده زارگانهای فریب و سرکوب حاکمیت و عمال خود می‌کوشد تا اعتصاب کارگران را درهم شکند. او می‌گفت: "اگر قرار باشد تمام سرما به امرا بدولت بدهم تا شما را سرکوب کند، می‌دهم ولی حقوق شما را اضا فیه نمی‌کنم." اما فشا رقاقت فرسای کارگر که دستمزدها آنچنان بود که دیگر حمله و تهدیدات اشتمالی نداشتند، تحمل کارگران دیگر تصمیم شده بود. آنها تصمیم می‌گیرند بطرف وزارت کار در تهران حرکت نمایند. روز هشتم اردیبهشت ماه راهیما ثانی آغاز می‌گردد. در جلوی شهر داری کرچ زندار ما متع حرکت کارگران می‌شوند.

تاریخ مبارزات طبقه کارگر همواره سرشار از خون و حماسه بوده است. مبارزه دلیرانه کارگران جهان چیت در ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ که توسط مزدور و نرژیم محمدرضا شاه به خون کشیده شد یکی از این حماسه‌ها در تاریخ جنبش کارگری کشور ما است. آنروز جاوه کرچ در زیر گامهای استوار و پولادین کارگران جهان چیت می‌لرزید. طنبن راهیما ثانی شکوه مندی بیش از ۲ هزار کارگر همچون پتک بر نظام سرما به داری کوفته می‌شد. کارگران در هر قدمی که به پیش می‌بردند با سربو افراشته ضربه جدیدی از اردوی کار به کار خسرما به وارد می‌کردند. مزدوران آریا مهری که با وحشت زیاد به تکاپو افتاده بودند دیگر برای تحمل نداشتند آنها که نتوانسته بودند از راهیما ثانی معمولی عزم را سخکارگران را درهم شکنند، همچنان که ما هیت نظام سرما به داری در اینگونه لحظات ایجاب می‌کند



کارگر شهید علی کارگر

وحشیانه کارگران را به رگبار گلوله بستند. ۳ کارگر شهید شد و بیش از ۱۴ نفر زخمی شدند. خون کارگران بر آسفالت جاوه کرچ نقش بست. طنبن گامهای پولادین کارگران با خون همسنگران نشان درهم پیوست و برخلاف تصور رژیم خونخوا را آریا مهری که فکر می‌کرد می‌تواند آنها را برآی همیشه از حرکت باز



کارگر شهید حسین نیکوکار

ناگهان تیراندازی شروع می‌شود. علی کارگر، حسین نیکوکار، وجیه الله حشم فیروز ۳ تن از کارگران جهان چیت در برآی گلوله‌های درخیمان رژیم آریا مهری بخون می‌غلطند و ۱۴ کارگر دیگر زخمی می‌شوند. رژیم حافظ منافع سرما به داری بدین ترتیب یکبار دیگر نشان می‌دهد که پاسخ اعتراضات طبقه در صفحه ۱۵



از: اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

مقابل این اقدام ضدکارگری هرچه بیشتر به اعتراض و مبارزه پرداخته و متحد و متشکل مانع افزایش ساعت کارمان شویم. ۴۰۰ ساعت کار، ۲ روز تعطیل در هفته، حق مسلم کارگران است.

تهران

★ ایران ناسیونال

"با اتحاد یکپارچه تاکسب خواست‌ها ایمان مبارزه را ادامه دهیم" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو ایران ناسیونال منتشر نموده‌اند. آنها ضمن اشاره به زیاد شدن ساعات کار و تلاش مدیران ضدکارگری برای استئصال هر چه بیشتر کارگران می‌نویسند: "ما با اعتصاب سه روزه خودتشان دادیم که تنها کارگران متحدانند. مدیران و دولت حامی آنها را بزانو در آورند. در جریان اعتصاب پیوسته بردیم که اگر بخواهیم مبارزاتمان را پیگیر و یکپارچه ادامه دهیم باید با انتخاب نمایندگان واقعی شورای انقلابی کارخانه را تشکیل دهیم."

* * *

★ ارج

کارگران پیشرو ارج در قسمتی از تراکت خود تحت عنوان "متحد و متشکل مانع افزایش ساعات کار شویم" پیروز اشاره به افزایش ساعات کار می‌نویسد: "سرما به داران و رژیم‌ها می‌آنها تنها با تفکر اضافه کردن تولید در نتیجه برکردن جیب‌های گشادشان هستند... آنها برای فریب کارگران شب‌کار گفته‌اند که به ساعت ۱۳:۴۵ ساعت کار در هفته اضافه کاری تعلق می‌گیرد. در حالیکه مزده ساعت باید حداقل زندگی کارگران را تامین نماید و تمام مزایای کارگران باید پرداخت گردد تا کارگران اشتیاق به جان‌کندن بیشتر نداشته باشند. در

تشکیل می‌دهند و وزارت کار؟ چنین ادامه می‌دهند: "همانطور که اطلاع دارید وزارت کار در جلسه‌ای که نمایندگان شورا داشته مطرح کرده است که شورا را به رسمیت نمی‌شناسد. در پی این مسئله مدیران ضدکارگر از فرصت استفاده کرده و خواستار انحلال شورا شده‌اند... آنها خواهان تشکیل شورایی با نظارت وزارت کار شده‌اند. در قسمتی دیگر از اعلامیه می‌نویسند: "ما می‌گزینیم: نمایندگان باید وسیله خود کارگران انتخاب شوند. نمایندگان شورا باید از منافع کارگران در مقابل سرمایه‌داران دفاع کنند. باید در مورد اخراج و... نمایندگان شورا تصمیم بگیرند... حال که نمایندگان سازشکاری چون مهرانی و رضاخانلو با قرار گرفتن در کنار مدیریت و وزارت کار حمایت خود را از آنها اعلام کرده‌اند ما نیز با انتخاب نمایندگان واقعی خود شورا را به ستگری دیگر از مبارزه بر علیه مدیران و دولت حامی آنها تبدیل کنیم"

* * *

★ پارس الکتریک

مبارزه خود را برای تشکیل شورای انقلابی بر علیه وزارت کار گسترش دهیم. کارگران پیشرو پارس الکتریک در اعلامیه‌ای تحت این عنوان می‌نویسند: "عدم شرکت اکثریت کارگران در انتخابات شورا باعث شده که نمایندگان سازشکاری چون بدرون شورا راه یابند. اولین حرکت شورای جدید تقاضای وزارت کار برای در خدمت گرفتن شورا است. این عمل در خدمت چه کسانی است؟ وزارت کار در خدمت کیست؟ "در ادامه به افشای سیاستهای ضدکارگری وزارت کار و خدمات این ارگان به سرمایه‌داران پرداخته و سپس می‌نویسد: "هنگامیکه برای تشکیل یک شورای انقلابی، هیئت نظارت تشکیل دادیم وزارت کار طرح نظارت بر انتخابات شورا را با همکاری سپاه پاسداران ریخت... کارگران می‌گویند: اولاً نمایندگان شورا باید آزادانه توسط کارگران انتخاب شوند. ثانیاً تنها کارگران حق نظارت بر کار شورا دارند. وزارت کار از این عمل هدفی جز سرکوب و انحراف مبارزات مبارز کارگران را ندارد و این عمل نیز از جمله اعمال ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی است." در ادامه می‌گویند: "اکنون باید با تشکیل مجمع عمومی مشترک بین کارگران کارخانه تهران و کرج هر چه بیشتر متحد بر علیه وزارت کار و مدیران و... به مبارزه برخیزیم"

* * *
بسیه در صفحه ۶

★ صنایع دفاع

کارگران پیشرو صنایع دفاع نیز در رابطه با افزایش ساعات کار و لغو تعطیل پنجشنبه‌ها تراکتی با نام "تنها با مبارزه یکپارچه می‌توان مانع افزایش ساعات کار شد" منتشر نموده‌اند. در قسمتی از این تراکت چنین آمده است: "این عمل مورد اعتراض بحق تمامی کارگران قرار گرفته و در بعضی شرکتها نظیر شرکت پنها (پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران) مدیریت از ترس اوج‌گیری اعتراضات کارکنان از اجزای آن چشم پوشیده است. رژیم جمهوری اسلامی هر روزتهاجم خود را به حقوق زحمتکشان گسترده تر می‌سازد. رژیم میکوشد با افزایش بهره‌کشی و استثمار کارگران، افزایش ساعات کار، وادار کردن کارگران به تولید بیشتر و افزودن بر قیمت کالاها و... هر روز با بحران رابه‌گرفته زحمتکش‌شان بیاندازد."

* * *

★ پارس متال

کارگران پیشرو پارس - متال در اعلامیه‌ای که این هفته منتشر شده است می‌پرسند: "شورا را کارگران

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

وزیر امور اقتصادی و دارائی می گوید:

"گسترش روابط اقتصادی ایران و ترکیه طبعاً بر اساس تفاهم سیاسی بین دو کشور باید انجام گیرد"

است و همواره نماینده انحصارات بزرگ امپریالیستی محسوب میشود. تنها کودتا در ترکیه، نقش نظامیان را از حالت پوشیده بدر آورد و علنی ساخت چرا که نقش نظامیان را قبل از کودتا، باندهای سیاه موسوم به "دست راستیها" "بعدها داشتند و دولت چپین و نمود میساخت که دست راستیها و دست چپیها (انقلابیون) گروههای مختلف مردم اند که بجان هم افتاده اند. این باندهای فاشیست وابسته به دولت بصورت گسترده ای سازمان داده شده بودند و آنچنان ترور و کشتاری در کوچه و خیابان بر سر راه انداخته بودند تا هرگونه اعتراضی را در نطفه خفه سازند و هر روز دهها نفر از انقلابیون و کارگران و زحمتکشان وابسته به سازمانهای انقلابی، هدف این مزدوران قرار میگرفتند و جلوس چشم مردم به گلوله بسته میشدند و رژیم کودتا با این شعار پابرعصه قدرت... آنها دکه میخورد "نظم و امنیت" برقرار نماید. اما از آنجا که دست راستیها دست پرورده خود دولت بودند پس از کودتا اکثریت آنها بخدمت رژیم کودتا گرفته شدند و تنها انقلابیون و یزعم

در کیهان سه شنبه اول اردیبهشت سال ۶۰ میخوانیم: "ترکیه تمام راهها و راه آهن، و بنا در خود را بطور کامل در اختیار ایران میگذارد و ایران میتواند از آنها استفاده کند." سپس مینویسد: "بدنبال ملاقات وزیر با زرگانی ترکیه با مقامات مسئول ایرانی قرار میشود: "روابط اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور، صدور نفت ایران به ترکیه و نحوه پرداخت بهای آن، صادرات مواد غذایی ترکیه به ایران و همکاریهای احتمالی ترکیه در تکمیل پروژه های نیمه تمام ایران و فرهنگی مباحثات مقدماتی شد. "هما نجا همچنین وزیر اقتصاد دودارائی در اینمورد میگوید: "با توجه به این که مسائل اقتصادی و سیاسی از هم جداشدنی نیستند، گسترش روابط اقتصادی - ایران و ترکیه طبعاً بر اساس تفاهم سیاسی بین دو کشور باید انجام گیرد. این سخنان از سوی مقامات رژیم جمهوری اسلامی بیان میشود. رژیمی که در تابستان سال گذشته هنگام کودتا در ترکیه در روزنامه هایش نوشت که کودتای ترکیه برای مقابله با دولت جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا صورت گرفته است و اکنون سخن از تفاهم با دولتی میزند که مزدور آمریکا در منطقه است.

مردم ما رژیم دیکتاتور نظامی حاکم بر ترکیه را که یکی از پایگاههای امپریالیسم آمریکا در منطقه نیز میباشد بخوبی میشناسند. ترکیه از هم پیمانان ناتو (پیمان نظامی مشترک آمریکا و اروپا) میباشد. آمریکا پایگاههای نظامی متعددی در ترکیه دارد. رژیم ترکیه چه قبل و چه بعد از کودتا بک رژیم ترور و سرکوب و خفقان بوده

آنان دست چپیها و همچنین توده های زحمتکش اند که دسته دسته دستگیر، شکنجه، زندانی و با اعدام میشوند. چندی پیش ۲۴۵ نفر از دهقانان - مناطق کردتیشین در دیار بکردریک دادگاه نظامی محاکمه و ۹۵ نفر از آنها محکوم به اعدام شدند. همچنین ۴ نفر از انقلابیون وابسته ارتش آزادیبخش در استانبول هفته گذشته اعدام شدند.

و بنا بر گزارش خبرگزارها: "از آغاز حکومت نظامیان در ترکیه ۲۵۶۶۲ نفر در ترکیه دستگیر شده اند" اکنون باید به این مسئله پاسخ دهیم که چگونه دولت ایران که ادعای مبارزه ضد امپریالیستی دارد، صحبت از تفاهم سیاسی و گسترش روابط اقتصادی با ترکیه میکند. اگر بپذیریم که سیاست خارجی جدا از سیاست داخلی نیست و سیاست خارجی تابع و انعکاس سیاست داخلی میباشد، هنگامیکه دولت ایران همچون ترکیه به سرکوب زحمتکشان و خلق کردوسا بر خلقها میپردازد، - انقلابیون را دستگیر، شکنجه و ترور میکند، به خواستهای کارگران و زحمتکشان پاسخ نمیدهد و حتی اعتراضات آنان را سرکوب میکند و روابط اقتصادی و قراردادهای سارت با رگدشته را از جمله با دولت ترکیه این عامل دست نشانده آمریکا تجدید میکند طبعاً "باید تفاهم سیاسی نیز بین دو کشور پیدا کند. و درست در همین نقطه است که بیش از پیش ماهیت مبارزه ضد امپریالیستی دروغین حاکمیت روشن میشود. در حالیکه شعارها و ضد امپریالیستی حاکمیت گوش فلک را ز کرده در عمل به گسترش روابط اقتصادی و تفاهم سیاسی با دولتهای عا - امپریالیسم جهانی دست میزند.

پاسداران مانع ورود کارگران به کارخانه شده و کارگران در کنار کارخانه نشستند. کارگران پیشرو رشت طی اعلامیه ای در این رابطه میگویند: "کارگران مبارز و آگاه با تمفیه عناصرا زشکارا زشورا و تقویت شورا های خود متشکل و متحد علیه این دشمنان کارگران و زحمتکشان به مبارزه ادامه میدهند". آنها همچنین در همین اعلامیه "مردم قهرمان و مبارز رشت را خطاب قرار داده و از آنها میخواهند از مبارزه کارگران ایران پویلیس حمایت کنند". در بخشی از این اعلامیه می آید که: "قبل از عید سرما به داران سودویزه کارگران راه جیب زدند. دولت جمهوری اسلامی از سرمایه داران حمایت کرد، و کارگران را ضد انقلاب و عوامل آمریکا خواند. امروز سرما به داران کارگران را از کارخانه اخراج میکنند. دولت جمهوری اسلامی سپاه پاسداران سرما به خود را برای حمایت از سرما به داران و سرکوب کارگران به کارخانه سرازیر میکند. کارگران و زحمتکشان میگویند: "حاکمان سرما به داران حاکمان آمریکا هم هستند، آنها ضد انقلاب واقعی هستند."

میگویند: "کارگران انقلابی سرامیک البرز نشان دادند که به خلاف نظریات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که سال جدید را سال "قانون یعنی سال قانونی بودن استثمرا رگرتوسط سرما به داران میدهند، سال جدید را سال مبارزه بیامان علیه سرمایه داران، سال اتحاد، مبارزه و پیروزی مینامند". در پایان نیز از کارگران خواسته اند که برای بدست آوردن حقوق خویش در شورای انقلابی متشکل شوند.

رشت

ایران پویلیس

در او خرمه گذشته کمیته پاکسازی کارخانه ایران پویلیس تصمیم به اخراج عمده ای از کارگران مبارز میگرفت. پاسداران سرما به تاکنون در مبارزه با کارگران پویلیس به حمایت فعال از این کارگران پرداخته در مقابل پاسداران مقاومت و از اخراج همزمان خود جلوگیری کرده اند.



از اعلامیه ها تا کتا و نشریات

کارگران پیشرو

بقیه از صفحه ۵ قزوین

سرامیک البرز

مبارزه کارگران برای بیرون کشیدن سودویزه از چنگال سرمایه داران همچنان بشکل پراکنده ادامه دارد. در سال جدید کارگران "سرامیک البرز" با مبارزه گسترده خویش و با لآخره با اعتصاب سه ساعته خود توانستند ۲۳ روز سودویزه را در اختیار دارند. کارگران پیشرو قزوین در بخشی از اعلامیه خود با عنوان "اتحاد پیروز مند کارگران "سرامیک البرز" در آغاز سال جدید خسته بسازد"

گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم

بکوشیم روز معلم را به نقطه عطفی برای گسترش مبارزه معلمان تبدیل کنیم!

دوازدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۰ یکی از روزهای پرشکوه مبارزات قهرمانانه خلق ماست. روزی که دهها هزار معلم مبارز با طرخواستههای بیحق خود در سرا سر کشور اقدام به اعتصاب یکپارچه و راهپیمایی درخیا با آنها نمودند. در این روز در میدان بهارستان، مقابل مجلس، این نظا هرات از جانب رژیم شاهن به خاک و خون کشیده شد و پلیس شاه به خواست معلمان با گلوله‌ها سخداد. در اثر تیراندازی - تعدادی از معلمین مجروح شدند و دکتر ابوالحسن خاندلی معلم مبارز بدست رئیس کلانتری ۹ شهادت رسید. با شهادت "خاندلی" روحیه رزمندگی معلمان اوج گرفت و جنبش اعتراضی معلمین ابعاد گسترده تری یافت. دانش آموزان، دانشجویان، زحمتکشان و کارگران با معلمین اعلام همبستگی کردند.

مدارس و دانشگاهها بسته شد، ادارات و کارخانهها بحالت نیمه تعطیل درآمد. مردم در نظا هرات یک پارچه معلمان شرکت کرده و نشان دادند که کارگران و زحمتکشان و دانش آموزان پیوسته متحد و همرا ه یکدیگر بوده و در مبارزات حق طلبانه از همدیگر حمایت میکنند.

رژیم شاه و دولت شریف اما می که از اوج گیری مبارزات توده ها بو حشت افتاده بودند بدلا از راه افزایش حقوق معلمان را به مجلس برده و تصویب کردند. اما از آنجا که جنبش معلمین فا قدر رهبری نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست بود، درخشش از سردمداران دا رودسته امینی رهبری "جامعه معلمان" را بدست گرفت و به بهای خون دکتر خاندلی و مبارزات پرشور معلمان، بر مسمند وزارت آموزش و پرورش رسید و با مانور های مزورانه و دادن پساناره ای امتیازات، سروته حقوق معلمان را هم آورد و تلاش نمود تا مبارزات معلمان را مهار کند. اما علی رغم تلاشها و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم شاه مانع شکل آین قشر شده اما معلمان مبارز بطور پراکنده به مبارزات خود ادامه دادند. معلمان عمدتاً از اقشار میانی و پائینی خرده بوروازی در جامعه هستند و منافسان با منافع کارگران و زحمتکشان شهروروستا عینین گردیده است و علاوه بر آن وجود عنصر آگاه در این قشر و مسئولیت آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان میهن، همبستگی آنان را با اقشار زحمتکش دوچندان می کند علی رغم عدم وجود سازمان رهبری کننده، پیوسته قلبشان با جنبش خلق می تپد و

با شکل گوناگون با مبارزات اقشار مختلف خلق ابراز همبستگی می کردند. بویژه نقش آگاه گران که آنان تا شیرات شگرفی در راه روری جنبش خلق داشته است. و در اینباره کوششهای پرازش رفقا نی چون مدبهرنگی، علیرضا نابدل و ... نمونه بارز فعالیت معلمان مبارز و انقلابی بحساب می آید.

با آغاز جنبش نوین انقلابی مسلحانه، چهره های درخشانی از معلمان انقلابی چون صفائی فراهانی بهروز دهقانی، علیرضا نابدل، مرضیه احمدی اسکویی، صبا بیژن زاده، رفعت معماران، کاظم سعادتسی فاطمه امینی، رفعت افرار و ... به جنبش انقلابی پیوسته و در صف اول رزم فدائیان خلق و مجاهدین خلق قرار گرفتند.

در جریان قیام شکوهمند بهمن ۵۷ معلمین آگاه و مبارز علاوه بردادن آگاهی سیاسی، نقش سازماندهی اعتبارات و تخمین دانش آموزان و بسیج نیروهای مردمی را به عهده داشتند و پس از قیام نیز همگام با توده ها در مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک، با تمام توان کوشیدند. اما از همان فردای قیام رژیم جمهوری اسلامی، معلمان مبارزی که سالها علیه فشار و اختناق آریا مهی قهرمانانه مبارزه کرده بودند، آماج حملات سرکوبگرانه خود قرار داد. هزاران تن از معلمان آگاه، مشمول پاکسازی، اخراج بازنشستگی اجباری و باز خرید شدند. خاکمان جدید در آموزش و پرورش اقدام به ایجاد شبکه جاسوسی بنام "مربیان امورتربیتی" کرده و این سیستم را جایگزین "اداره حفاظت ساواک" نمودند و حتی در برخی مناطق چون کردستان و لرستان آموزش و پرورش را منحل کردند!

بسیاری از معلمان مبارزان جمله رفیق معلم و نداد ایمانی فقط چند ماه پس از قیام در شیرگاه (بازنزدان) ترور شدند و هرگز جانی نماند. رتوف کهنه پوش، بهمن عزتی، حسین شیبانی و ... در کرمانشاه و کردستان و عبدالحکیم مختوم، رحمت منصوری خوجه محمد تیروندی و عبدالحکیم شهنازی و ... در گنبد با آنها مات واهی اعدام شدند. اما با تمام اعدا مها، زندانها، اخراجها، معلمان آگاه و مبارز به مقاومت و پایداری خود همچنان ادامه میدهند و همه این اعمال رژیم جمهوری اسلامی نشانگر ترس و وحشت بی پایان رژیم از رشد آگاهی توده ها است اما علیرغم مقاومت و پایداری معلمان مبارز

در مقابل سرکوب رژیم، بعلمت فقدان یک تشکیلات رهبری کننده نتوانسته اند اقدامی موثر بعمل آورند. فعالیتهای پراکنده ای که در این زمینه صورت گرفته درخور و توان ظرفیت و کمیت این نیروی عظیم اجتماعی نیست. تنها وجود تشکیلات دمکراتیک آگاه، رزمنده و قوی سراسری است که میتواند کلیه نظا هرات و اعتراضات معلمان (اعم از صنفی و سیاسی) را متمرکز نماید و بصورت فعالیتی سازمان یافته، حاکمیت را وادار به عقب نشینی کند. در این میان معلمان آگاه و مبارز می توانند حتی از نهاد های موجود مثل "شورا های مدارس" (علیرغم ماهیت فرمایشی، غیر فعال و بی اختیار اکثر آنان) استفاده کرده و با شرکت خلاق در آنها در جهت فعال کردن و ارتقاء کیفیت آنها بکوشند و می توانند این کوشش در همگامی و همبستگی با دانش آموزان مبارز صورت گیرد. معلمین مبارز باید بدانند که پیوند هر چه گسترده تر با دانش آموزان و پشتیبانی از مبارزات آنان و ارتقاء آگاهی آنان موجب تقویت صفوف نیروهای مترقی در مقابل سرکوبهای حاکمیت است.

در اینجا لازم میدانیم با معلمان آگاه و مبارزها وادار سازمان در سراسر ایران سخن میگوئیم: این رفقا باید بدانند که مهمترین وظیفه ای که آنان در پیشبرد مبارزه طبقاتی دارند اینست که در محیط زندگی اجتماعی خود به فعالیتهای دمکراتیک بپردازند. هر نوع کمبها دادن به این مبارزات تحت عنوان فعالیت سیاسی - طبقاتی (سوسیالیستی) انحراف از اصول مبارزاتی و بی توجهی به شرایط خاص مبارزات جامعه ما در لحظه کنونی می باشد. نباید با تجربه گرفتن از فعالیتهای دمکراتیک در سایر نقاط، بخصوص آنجا که این مبارزات موفق بوده است، به ایجاد حرکت یا گسترش فعالیتهای دمکراتیک و صنفی سیاسی سهمی در مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی میبماند. ایفا کنیم گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم درود بر معلم شهید دکتر ابوالحسن خاندلی و تمام معلمان شهید جنبش خلق.

مستحکم با دپیوند معلمان و دانش آموزان در مبارزه مشترک برای کسب و گسترش حقوق دمکراتیک و خلعهای زحمتکش میبماند و تسداوم انقلاب.

پیش بسوی مبارزه ای هر چه گسترده تر، متشکل تر و یکپارچه تر.



سابقه تاریخی

خیانت‌های حزب توده (۳)

حزب توده در مقطع قیام

"حزب توده" در مقطع قیام پرشکوه خلق شایسته تاریخی‌ترین (ولی نه آخرین) پشتک خود را میزند. رهبران فراری "حزب" از برکت سرمایه‌زات - پرشکوه توده‌ها جرات پیدا میکنند تا بسوی میهن روانه شوند. آنها در این مقطع تمامی "خیانت‌ها" و موضعگیری‌های گذشته خود را به فرا موشی میسپارند. غافل از اینکه توده‌ها هرگز از این خیانت‌ها را فراموش نخواهند کرد.

"حزب توده" تمامی مواضع خود را تغییر میدهد و خود را بشکل تمام عیار "رفیق قافله" جا میزند. برای بررسی کا ملتزاین "پشتک تاریخی" "حزب" موضعگیری‌های او در این مقطع را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم.

۱ - تغییر مواضع گذشته و پرده پوشی خیانت‌های قبل از قیام: مقالات قبلی مواضع "حزب توده" را تا مقطع قیام بررسی کردیم و دیدیم چگونه "حزب" پس از این که در یافت شاه رفتنی است به جستجوی جناح‌های "بهبتر و واقع بین تر" درون هیئت حاکمه پرداخت و ندای "شاه با بسط سلطنت کننده حکومت" را سرداد اما زمانی که در یافت حکام در حال تغییرند به تغییر مواضع خود بر حسب نظر ما حبان جدید قدرت پرداخت و سعی کرد با انطباق نظرانش با آیت الله خمینی برخیا نتهای گذشته خود سرپوش بپند.

"حزب توده" که حداقل ۱۵ سال تمام (از سال ۳۹ تا ۵۴) از اصلاحات ارضی شاهانه حمایت و دفاع میکرد (بسه قسمتهای قبلی مراجعه کنید) اینک پشتک میزند و میگوید: "اصلاحات ارضی نیمه در رژیم پهلوی حاکمیت زمینداران بزرگ را تثبیت کرد و علاوه بر آن دست غارتگران امپریالیستی را در اقتصاد کشاورزی ایران باز کرد" (مردم - دوره جدید شماره ۱) و با "اصلاحات ارضی شاه سابق اصلاحاتی بود نیمه بند برای گسترش مناسبات بهره‌کشی سرمایه داری برای ایجاد کردن نقشه‌های نواستعماری آمریکا ثیان که روشی عمیقاً "صدهقانی انجام شد"

(مردم - دوره جدید شماره ۶۹) توجه میکنید! اصلاحات ارضی که "سراسری توسعه کشاورزی" انجام شده و "گام مهمی در جهت صنعتی کردن کشور (دنیای شماره ۳ - سال ۱۳۴۷) بشمار میرفت "انقلاب سفیدی" که "پیروزیهای مهمی در عرصه صنعتی کردن کشور" و الکترونیکی کردن کشور" بدست آورده و "سیستم آموزشی" را متحد و کرده بود (مما حبه!) و دنوروزی عضو کمیته مرکزی حزب توده سال (۱۳۵۱) اصلاحات ارضی که "کورس صنعتی کردن" کشور را در پی داشت و در نهایت "خواست مبرم مردم" (بود) دنیای شماره اول - سال (۱۳۵۲) اینک کسه ورق برگشته و قدرت در دست دیگران است به "اصلاحات نیمه بند" تبدیل شده که "در جهت منافع غارتگران امپریالیستی" و تثبیت حاکمیت زمینداران بزرگ "و... است. تنها اشکال آنجا است که "حزب توده" میگوید چه کسی ۱۵ سال از منافع غارتگران امپریالیستی و از تثبیت حاکمیت زمینداران بزرگ دفاع میکرد و به تبلیغ این سیاست "عمیقاً" ضد هقانی "میسپرداخت. چه کسی به گروه‌های "ما و راه" چه هشدار میداد که چشم خود را باز کنند و "واقعیات" و "کورس صنعتی شدن" کشور را ببینند. (دنیای شماره اول سال ۱۳۵۲) فقط کافیت بیادیا و ریم "حزب توده" اصلاحات ارضی را "اقداماتی ترفیخواهانه" به منظور "از بین بردن مناسبات فئودالی تولید" تمام مینهاد. (مردم شماره ۶۹ سال ۱۳۴۹) "حزب توده" که سالها برای سیاست "دولتی کردن اقتصاد" توسط شاه کف میزد و سعی میکرد بهره‌حیله‌ای شاه را وادار کند تا صنایع و بخشهای بیشتری از اقتصاد را دولتی کند، اینک برای خوشحدمتی به ما حبان جدید قدرت موضع خود را عوض میکند و مینویسد در دوران رژیم سابق (شاه) بخش دولتی که تحت قیمومت بورژوازی بوروکراتیک قرار داشت در جهت رشد خصوصی سرمایه داری در پهنای و زرفسا عمل میکرد. یعنی به تحول سرمایه داری وابسته در کشوریاری میداد. بهمین سبب ما هیت اجتماسی اقتصادی بخش دولتی در گذشته چیزی جز سرمایه داری دولتی نبود..... (مردم دوره جدید - شماره ۱۲۰).

"حزب توده" که کشتار خلق سربز در سال ۱۳۲۵ را با یک "عقب نشینی سودمند" (مردم سال اول شماره ۴ دوره ۵) مینامید اینک شهیدان همین قتل عام "سودمند" را بخود منسوب میداند و مینویسد "حزب توده" ایران که بحق حزب شهیدان (!) نام گرفته نخستین سازمان سیاسی در سرزمین ما است که در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع قربانی داده... فقط در جریان سربکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان (سال ۱۳۲۵) یک قلم بیش از ۲۰ هزار نفر آذربایجان میهن پرست قتل عام شدند" (مردم - شماره ۱۱۲)

اما در این میان جالبترین پشتک حزب موضعگیری، تعریف و تمجید از جنبش خلق در ۱۵ خرداد ۱۳۴۷ است. به خاطر بیارید که حزب توده در راه دیو پیک خود این مبارزات را توطئه فئودالها و زمینداران و محافل ارتجاعی و روحانی میخواند و بیادیا و ریم که حزب توده در (مردم اول تیر ماه ۳۲۲) نوشت "در اینکه محافل ارتجاعی کوشیده اند در ایام عزاداری احساسات منمهی عده‌ای سوء استفاده کرده، گروهی از افراد عقب افتاده و متعصب را به اعمال و رفتاری جاهلانه، ضد ترقی و برخلاف انسانیت برانگیختند و حتی شعاری علیه اصلاحات ارضی و آزادی در میان تظاهرات مردم پیش نما بند، شکی نیست" اما اینک که قدرت بدست همین "محافل ارتجاعی و روحانی" افتاده است حزب توده مینویسد "دوران سالهای بعد از جهل دوران تقریباً کامل رکود جنبش است. البته سال ۴۲ در ایران تظاهرات بزرگ ۱۵ خرداد به وجود آمد ولی بعد از درهم کوبیده شدن تظاهرات دوران رکود بزرگ با اقدامات عوامفریبانه شاه تحت عنوان اصلاحات ارضی و انقلاب "شاه و ملت" شروع شد (نکاتی از تاریخ حزب توده ایران) و میگوید "گروه‌های روحانیون مترقی به رهبری آیت الله خمینی طی یک دوران طولانی در مواضع روشن ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سبب - ره امپریالیسم... قرار گرفتند" (مردم دوره جدید شماره ۱) توجه کنید که بطور بسادگی "محافل ارتجاعی و روحانی"، به "روحانیون مترقی" بدل شده اند. بطور خلاصه میتوان گفت "حزب توده" هیچگونه خط اصولی بجز پیروی از ما حبان قدرت نمیشناسد. در دوره قد رتتمندی شاه در ایران

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

آوارگان چه میگردند؟

گزارشهایی از اردوگاههای آوارگان اردوگاه شهرک هجرت زیر کنترل پلیسی!



● آوارگان ساکن این اردوگاه گرفتاری، کمبندی، کمبندی، کمبندی، لباس، بهداشت و ... کنترل پلیسی اداره کنندگان اردوگاه هستند.

● جنگ زدگان میگویند بیدار شدن در اردوگاه تشکیل دهیم و کارهای اردوگاه را خودمان اداره کنیم.

هفت ماه است که جنگ ارتجاعی و نا عارانه بین دولتها و ضد خلقی عراق و ایران ادامه دارد و همچنان مرگ و میر و فقر و فلاکت و بیخا نمایی برای توده های زحمتکش بیارمی آورد. در حالیکه مقامات رژیم جمهوری اسلامی هر روز از تریبونهای تبلیغاتی خود خدمات آنجا شده! برای آوارگان و برنا مه های آتی دولت در این بطنه دم میزنند، و انواع و اقسام اداره ها و بنیادهای برای امور جنگ زدگان - آواره، علم می کنند، مصیبت، بیماری، گرسنگی، بی پولی، بی کار، بی وعده بهداشت در اردوگاه ها و شهرکهای خوزستان بیداد می کنند، با وجود کمبندی بی دریغ توده های زحمتکش سایر شهرها و مناطق ایران به آوارگان، هنوز آوارگان از بابت لباس، ارزاق و پول بشت در مضیقه اندورن میگردند. وضع آوارگان نه تنها نسبت به ماههای قبل بهتر نشده، بلکه بدتر قرار سیدن تا بستن هر روز روبرو خامت است. بنیاد امور جنگ زدگان، مرتب از آوارگان ساکن در اردوگاه های خوزستان بویژه، شادگان، امیدیه و سر بندر میخواستند که به شهرها و استانهای دیگر مانند نیشابور و مازندران بروند. حتی دولت بنا به گفته مسئولان چند اردوگاه، عمدتاً سیاست وشویه در ارتباط با آوارگان این مناطق در پیش گرفته است، که تا گزینند از خوزستان به جاهای که دولت تعیین می کند، بروند. اما پاسخ منفی آوارگان - این مناطق که عمدتاً از محرومترین و زحمتکش ترین طبقات و اقشار خلق عرب ایران هستند، برغم عذابی که میکشند، بی اعتمادی توده های ران نسبت به حاکمیت جمهوری اسلامی شان میدهد. از هر سو بر آوارگان اردوگاهها و شهرک های منطقه خوزستان فشار وارد میشود.

شهرک هجرت، بین سر بندر و ماه شهر، ظاهراً وضع آوارگان در این اردوگاه بهتر است! اما باطن، اساشته از بدبختی و درد و اعتراض است. حاکمیت تنها در اینجا شبه حکومت نظامی ایجاد کرده تا به اصطلاح خودش از "فقدور خنثی عوامل ضد انقلاب به میان آوارگان جلوگیری کند". جوان آواره ای به پاسداران می گفت: "ما را در اینجا اسکان داده اید، زندانی کرده اید".

دهدوم فروردین ۶۰

که آوارگان را وادار به تخلیه آنجا بکند، اما آوارگان مقاومت کرده اند. حدود سه ماه است که این کمپ به شهرک هجرت تغییر نام یافته و مقرراتی تنظیم شبه پلیسی با حضور مستقیم پاسداران و بسیجی ها در آن وضع شده است، مثلاً "رفت و آمد و ورود و خروج به اردوگاه شدیداً کنترل میشود".

در این شهرک ۱۷ هزار نفر، در اطراف های پیش ساخته و کوچک زندگی میکنند. در شهرک، مدرسه ابتدایی و راهنای و کارگاه، فروشگاه و تعاونی و تانواشیها برپا شده است. در این شهرک، آوارگان به سه دسته تقسیم شده اند، الف - ب - ج یا بخش های ۱ - ۲ - ۳. الف - کسانی هستند که حقوق بگیرند و خودشان پولی دارند، به اینها که اکثریت ساکنان اردوگاه را تشکیل میدهند. مستقری ماهیانه هر نفر ۵ تومان و ارزاق رایگان داده میشود.

گروه ب - کسانی هستند که حقوق های کمی دارند، به اینها فقط جیره داده میشود و با لایحه گروه ج - کسانی هستند که حقوق بگیرند و دوهزار تومان به بالا هستند، به اینها نه مستقری داده میشود و نه جیره رایگان، فقط کار و تعاونی نصف قیمت به آنها میدهند، تا از شرکت تعاونی شهرک ما بحتاج خود را بخرند، البته، اجناس و کالاهای تعاونی بر مراتب متنوع و مرغوبتر از جیره رایگان و اندک است.

بهداشت ندارند، جاندارند، از گرما و کمبود ارزاق شدیداً رنج میبرند، بی پولی و احساس افسردگی و حقارت گریبانگیر آنهاست. بی کار و بی سطح وسیعی در میان آوارگان وجود دارد. این همه موجب شده که توده های روز بروز بیشتر به ما هیت ضد مردمی و نا عادلانه جنگ و عواقب زیانبار و خانمان بر انداز آبی میبرند، و نسبت به حکومت جمهوری اسلامی بی اعتمادی و بدبینی بشوند، هم از بیرون و هم از درون. ضرورت تشکیل شورا و اداره امور بدست خودشان بیش از پیش بی بردانند، آوارگان نوسان بر توده های مناطق جنگی مصرا نه تمام جنگ و برقراری صلح را میخواهند.

در هر کجا که آوارگان نباشند و با هر کدامشان که حرف بزنیم همه این واقعیتها و مشکلات و مصائب خود را می نمایانند، مضافاً با اینکه همه سخت در انتظار پایان جنگ و بازگشت به خانه و زندگی خود هستند.

شهرک هجرت، که در اوایل جنگ به کمپ سر بندر معروف بود، بین ما و شهر و سر بندر واقع شده است. این کمپ قبلاً متعلق به کارمندان و کارگران ژاپنی پتروشیمی بود که پس از قیام تقریباً بلا استفاده ماند، با شروع جنگ و آوارگی، توده های زحمتکش به این کمپ روی آوردند و برغم مخالفتها و ممانعت های مقامات دولتی آنجا را اشغال کردند. البته در این مدت دولت همیشه سعی داشته

بقیه در صفحه ۱۲

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

گواتمالا

کشور گواتمالا ۷ میلیون جمعیت در آمریکای مرکزی، از شمال به مکزیک، از شمال شرقی به برزیل، از جنوب شرقی و مشرق به هندوراس و ال سالوادور و از جنوب به اقیانوس آرام محدود است.

اقتصاد این کشور عمدتاً بر پایه کشاورزی استوار بوده و قهوه، پنبه، شکر، موز و گوشت، ۶۰٪ کل صادرات آنرا تشکیل می‌دهد و واردات آن برنج ذرت و گندم و سایر کالاهای مصرفی ساخته شده در صنایع امپریالیستی آمریکا است.

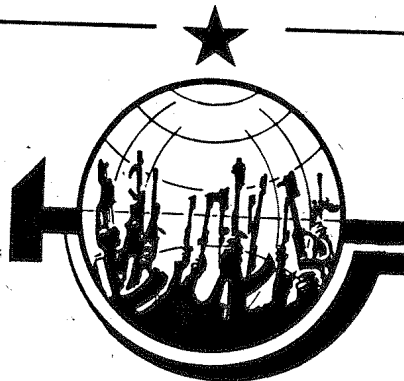
یک در صد کل جمعیت که سرمایه داران وابسته میباشند، ۶۰٪ کل زمین‌های قابل کشت را در اختیار دارند که عمده محصولات آنها کافه همکار (نحصارات امپریالیستی جهت صدور کشت میشود. در مقابل ۶۲/۶٪ کشاورزان که بخش اعظم جمعیت را تشکیل می‌دهند تنها ۲٪ از زمینهای قابل کشت را در اختیار دارند. چنین وضعیتی موجب شده است که کلیه احزاب دموکرات و همه سازمانهای خلقی و انقلابی خواستار حل مسئله زمین و اصلاحات ارضی در این کشور باشند.

با توجه به اینکه کمترین رفهرم در این کشور، کل سیستم حکومتی را زیر سؤال میبرد، رژیم سرمایه داران حاکم در این کشور، در پی حفظ و گسترش هر چه بیشتر سودهای کلان برای خود و اربابان نشان در برخورد به مشکلات و وضع زندگی مردم همچون سایر همپایانگی‌ها نشان در همه کشورهای وابسته، ارتش و پلیس سیاسی را جهت سرکوب مبارزات انقلابی و دموکراتیک زحمتکشان گواتمالائی هر چه بیشتر تقویت میکنند. بطوری که طبق یک گزارش روزانه حدود ۱۰ نفر بطور متوسط در گواتمالا بر اثر شرایط سرکوب و اختناق و در مبارزه انقلابی جان خود را از دست می‌دهند و یا مفقود میشوند و بعد به شکل تیر خورده سوخته شده و قطع عضو شده پیدا می‌شوند. با اینهمه علیرغم سرکوبی که طی سالهای اخیر، ۷۰ هزار نفر پیدا شده و شهید در پی داشته است، جنبش خلقی همچنان ادامه دارد و رهبران و مبارزان - انقلابی بعد از کشف هویتشان از سوی پلیس فاشیستی زندگی مخفی را جهت ادامه مبارزه انقلابی بر می‌گزینند.

در گواتمالا برغم شرایط دشوار سیاسی، سازمانهای سندیکائی (کارگری و دهقانی) سازمانهای سیاسی توده‌ای (احزاب و اتحادیه‌ها) و سازمانهای انقلابی هر روز افراد بیشتری را بخود جذب میکنند.

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



چهار سازمان سیاسی انقلابی عمده گواتمالا: نیروهای مسلح شورشی (P.E.T.)، سازمان توده‌ای

مسلح (O.R.P.A.)، حزب کارگر گواتمالا (P.G.T.) و ارتش چریکی تهیدستان (E.G.T.) از ۱۲ اکتبر سال گذشته بر اساس یک دیدگاه مشترک مبنی بر ضرورت شرکت فعال تمام خلق در پیروسیه جنگ انقلابی که جنگ چریکی را به سراسر کشور گسترش دهد و ارتش سرکوبگر را نابود نماید، وحدت نمودند. هدف فوری این وحدت سرکوبی رژیم لوکاس گارسیا و ایجاد یک دولت انقلابی - دموکراتیک خلق در گواتمالا است.

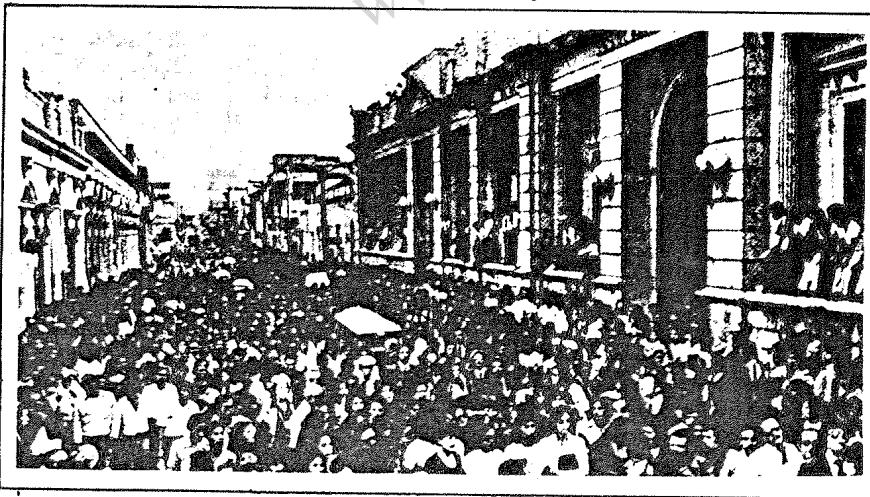
برای نابودی پیروسیه انقلابی در آمریکای مرکزی می‌شویم، پیروسیه‌ای که قبلاً پیروزی خلق نیکاراگوئه را در برداشته و پیروزی خلق هائیتی، السالوادور و گواتمالا را در پی خواهد داشت.

روش کار سازمانهای انقلابی گواتمالا بر پایه کار مخفی و دفاع از خود، عملیات شبه نظامی توده‌ای و عملیات مستقیم نظامی علیه رژیم حاکم استوار است.

این اقدامات همچنین شامل برخی عملیات تبلیغی از قبیل سنگربندی، به آتش کشیدن خودروهای نظامی و استفاده از بمب‌های اعلامیه پخش گرمی باشد.

نخستین وحدت انقلابی در این کشور در سال ۱۹۷۶ با بهم پیوستن فدراسیونهای کارگری تشکیل کمیته ملی وحدت سندیکائی انجام شد. در سال ۱۹۷۸ بین سازمانهای دهقانی نیز چنین وحدتی صورت گرفت و ایجاد کمیته وحدت دهقانان را در پی داشت. کمیته وحدت دهقانان در کمیته ملی وحدت سندیکائی عضویت دارد و به این ترتیب با هماهنگی فعالیت‌های این دو سازمان، وحدت مبارزاتی کارگران و دهقانان تقویت میشود.

در سال ۱۹۷۹ با شرکت این دو سازمان و حزب سوسیال دمکرات گواتمالا و جنبه متحدان انقلاب، جنبه دانشجویی را بین کارسایا و جنبش خلق ۱۵۰ سازمان و اتحادیه توده‌ای دیگر جنبه دموکراتیک علیه دیکتاتورسی (F.D.C.R.) اعلام موجودیت نمود.



در مقابل گسترش فعالیت‌های دموکراتیک توده‌ای و نیز افزایش حجم عملیات انقلابی سازمانهای چریکی علیه رژیم، ارتش گواتمالا به خشونت و سرکوب علیه مردم غیر مسلح می‌افزاید. در این رابطه با رها حومه شهرهای مختلف مانند سان مارکوس و سانتیاگورا بیماران

بقیه در صفحه ۱۱

در اعلامیه مشترک این چهار سازمان که به مناسبت اعلام وحدت انتشار یافت آمده است: "تعهد به مبارزه علیه دولت گواتمالا بهترین امری است که ما می‌توانیم شرکت خود را در مبارزه - خلق السالوادور نشان دهیم... ما همچنین متعهد به روی آوردن در مقابل هرگونه دخالت امپریالیسم آمریکا

خواستهای کارگران رامینی با افزایش دستمزد متناسب با افزایش هزینه زندگی برآورده نماند، می‌تواند به سایر معادن من نیز سرایت نماید.

● ال سالوادور

در حالی که جنگ آزادی بخش در ال سالوادور ادامه دارد و خونریزی نظامی حاکم بر این کشور با همکاری و کمک امپریالیسم جنایتکار آمریکا همچنان به سرکوب توده ها ادامه میدهد، موج عظیمی از همبستگی با مردم ال سالوادور در گوشه و کنار جهان در محکوم کردن دخالت نظامی آمریکا در این کشور به چشم میخورد. از جمله در نظرات چندین هزار نفر در بسیاری از شهرهای آمریکای شمالی نظیر نیویورک و واشنگتن، سیاستهای جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا در ال سالوادور مورد اعتراض قرار گرفته و عده ای نیز با پرتاب بطریهای حامل مواد قمرزنگ که گفته میشود "خون انسان" است به ستونهای کاخ سفید و دفتر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا، نوع تازه از اعتراض علیه امپریالیسم آمریکا را به نمایش گذاردند.

● فلسطین اشغالی

روز پنجشنبه گذشته بیش از هزار تن از مردم مبارز فلسطین در مقابل سفارت آمریکا در قدس نظرات اعتراض آمیزی علیه حمایت دولت امپریالیستی آمریکا از رژیم اشغالگر صهیونیستی اسرائیل انجام دادند.

● آلمان غربی

حدود ۴ میلیون تن از کارگران - صنایع فلزی و فولاد آلمان غربی به یک اعتصاب یکساعته دست زدند. در این اعتصاب که روز ۲۰/۲/۶۰ روی داد، کارگران نیروی برآمده از اتحادیه همبستگی طبقاتی خود را در برابر سر سرمایه داران نشان دادند به گونه ای که امپریالیست های آلمانی را به وحشت مرگباری انداخت. هدف از این اعتصاب یکساعته، افزایش حقوق به میزان ۵% و همچنین، آزامایش میزان نفوذ اتحادیه کارگری اعلام شده است. اتحادیه کارگری مزبور تهدید کرده - است که اگر ظرف چند روز آینده خواست های کارگران برآورده نشود، به یک اعتصاب سراسری متوسل خواهد شد.

رژیم ضد خلقی حاکم بر گواتمالا در مقابل اوج و اعتلای جنبش انقلابی و توده ای در این کشور و نیز جهشت هماهنگی عملیات سرکوب ضد انقلابی با سایر دولت های مترجمع آمریکای مرکزی آشکارا به همکاری وسیع و شوم با رژیم ها تحت رهبری امپریالیست های آمریکائی میپردازد.

اکنون بخشی از کار در متلاشی شده دیکتاتور معدوم سوموزا، در گواتمالا حضور دارد و در عملیات سرکوب ضد انقلابی شرکت میکنند. از سوی دیگر ارتش این رژیم مستقیماً از شورای دولتی نظامی حاکم بر ال سالوادور - حمایت میکند. هم اکنون ۲۰۰۰ تن از افراد مسلح از سربازان گواتمالائی و افراد کار دسوموزا، علیه انقلابیون ال سالوادور در مناطق مرزی می جنگند. در چند ماه اخیر هواپیما های نظامی از فرودگاه های سن جویس در ۶۰ مایلی پایتخت به مقصد ال سالوادور پرواز کرده و حامل بمب و سایر جنگ افزارهای آمریکائی بوده اند.

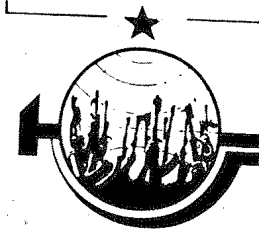
انقلابیون گواتمالا معتقدند: از آنجائی که نواحی مختلف آمریکای مرکزی همواره زیر یوغ امپریالیست های آمریکای شمالی بوده است، این امپریالیست ها برای ادامه غارتگری خویش همواره از اتحادشوم رژیم های ارتجاعی این منطقه پشتیبانی کرده و هر آن که احتمال سقوط رژیم گواتمالا بیشتر شود، به اشکال مختلف دخالت نظامی خواهند کرد. بنا بر این وجود یک استراتژی هماهنگ با سایر جنبشها در دیگر کشورهای آمریکائی مرکزی اجتناب ناپذیر است. بر این اساس هنگامی که سرکوبگران جنبش خلق ال سالوادور از سوی اتحادشوم مذکور مورد حمایت قرار میگیرند، وظیفه انترناسیونالیستی حاکم میکنند که انقلابیون هر یک از کشورهای دیگر آمریکای مرکزی با گسترش دامنه جنبش خود از شرکت نیروهای ارتش ضد خلقی کشور خود در سرکوب خلق ال سالوادور جلوگیری نمایند. در این رابطه از آخر دسامبر تا آخر ژانویه سال جاری، سازمانهای انقلابی بیش از ۲۰۰ عملیات نظامی انجام داده اند و آن را بهترین نشانه وجود وحدت انقلابی با خلق ال سالوادور و به مثابه کمک به تقویت نیروهای انقلابی میدانند.

● شیلی

بدنبال اعتصاب ده هزار کارگر در شیلی تولیدات یک مجتمع تولید مس در شیلی که بیش از ۱۰۰ مادرات مس این کشورها را تامین میکند، متوقف شد. رهبران اتحادیه کارگران مس اعلام داشتند، در صورتیکه شرکت مس

جنبش جهانی

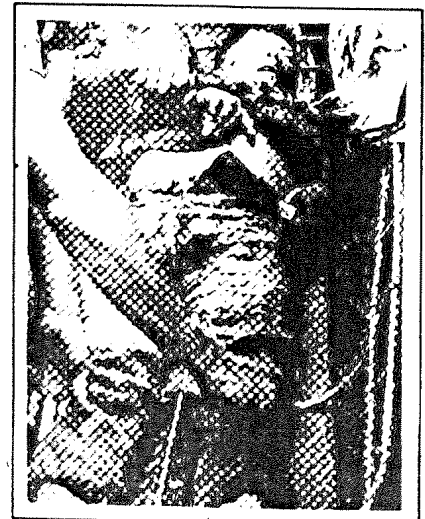
نابینا - ریاست



بقیه از صفحه ۱۰

کرده است و این شیوه ای است که ارتش گواتمالا علیه مردمی که در سازمانهای انقلابی فعالیت میکنند در اندیکار میبرد تا آنها را از شرکت در فعالیت های دموکراتیک باز دارد.

میگوئل انکل آلبیزورز، یکی از رهبران تبعیدی (جنبه توده ای مذکور) گواتمالا طی مصاحبه ای با گاردین چاپ آمریکا میگوید: "بحران اقتصادی سراسر کشور را فرا گرفته است. دستمزدها فوق العاده ناچیز و نرخ گرانی اغلب نسبت به سالهای پیش تا ۵۰۰% میرسد. آمار رسمی بیکاری ۳۰% است و اضافه بر این درصد بالائی از مردم در شهرها به کارهای از قبیل دستفروشی، واگس زدن، روزنامه فروشی، فروش کارت های بخت آزمائی و آدامس فروشی مشغولند.



هم وضعیت بحرانی و هم اختناق و فقدان کامل حقوق فردی و اجتماعی و اساسی در گواتمالا مردم را به جستجوی اشکال جدیدی از مبارزه و سازماندهی مبارزاتی غیر از پارلماناریسم که هرگز راه حل مشکلات مردم نبوده است می کشاند. از این رو "F.D.C.R" نیز سرنگونی رژیم لوکاس گارسیا را یکی از اهداف غیر قابل تغییر خود میداند. ما معتقدیم که بدون وحدت، پیروزی اساساً غیر ممکن است.

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

برآوارگان چه میگردند!

گزارشهایی از اردوگاههای آوارگان

بقیه از صفحه ۹

با این اوصاف، وضع شهرک ظاهرا مناسب است و مسئولان این شهرک تمام کوشش خود را بکار بسته اند تا با نظم و انضباط پلیسی و نظافتی موکنتیل شدیدت و آمدها و غیره، ظاهر را حفظ کنند و به اصطلاح خودشان با گروههای فدا انقلاب و ناراضای مردم مقابله کنند.

تمام تلاش آنها نهایتاً برای ایجاد جو خفقان و جلوگیری از آگاهی آوارگان است. ادعا ایشان نیزه منون اوضاع مناسب و خوب شهرک زیاد است، اما کافی است که به میان خیانتهای و ردیفهای منظم "لین بروی" آنها واقعیت دردناک آوارگی را از زبان گویا و معترض آوارگان بشنوی و ببینی همه بیکبار چه قریباً دو فغان و اعتراض هستند، همه از همه چیز و چیزهایی که ندارند مینالند و به مسئولان بدو بیراهه میگویند... "نه پول میدهند و نه چیزی نیست به گذشته هیچ فرقی نگرفته، لباس نیست اگر هم بدهند کهنه است، لباس کوچکترین حرکتی سیاسیها تیراندازی هواپیما میکنند.

کارگری میگوید: "من کارگر بیماتی هستم، در حال حاضر سه خانوار را تحت سرپرستی دارم، ما هی دو هزار تومان حقوق میگیریم به همین دلیل ممانعاً گذاشته اند در بخش ۳ و هیچگونه کمکی نمیکنند. زنی که بچه ۴ ساله بچه بزرگ دارد میگوید: "تمام ما سیاه خانها، مرا همه طلاها را فروخته ام، به همینکار ردیهای شهرک فروخته. دیگر چیزی نیست، رم، چیزی هم نمی دهند." همه قریباً دو اعتراضی هستند، مردمی به جای اشاره میکنند و میگوید: "این انبارها بیاز وسیله است، موش دارند آنها را میخورند ما به ما نمی دهندشان، اینها را مردم فرستاده اند، تلویزیون و رادیو هر روز می گوید و نشان میدهند که مردم چقدر پول و وسیله و خوارباریه آوارگان کم کرده اند، ولی برای جنگ زدگان و آواره ها هیچی نیست."

زن دیگری میگوید: "وضع هر چه اینجا نگاه میکنید، اینجا همان تدار، دو او درمان ندارد، روزی ۳ ساعت با فو قش ۳ ساعت آب داریم، خانه ها خیلی تنگ است و ۹ نفر و ۱۰ نفر در آنها زندگی میکنند، پشه و مگس خیلی زیاده."

زندیک در حالیکه کارت خوار و بارش را نشان میدهد و میگوید: "جیره ای که میدهند به هیچ جای ما نمی رسد، هر ۱۵ یا ۲۰ روزیه هر نفر یک کیلو برنج میدهند، یک کیلو آرد و یک کم روغن و تا بید، گوشت هم اگر برسد، هر ماه به هر نفر ۵۰۰ گرم میدهند! هی هم می گویند نیست و ندادیم، در صورتیکه خود من دیدم که سر دانه پراز گوشت است و چیزهای دیگر است."



شهرک علم الهدی - شوشتر - تازه آغاز بهار است و هنوز جرگرمای خوزستان نرسیده، آوارگان تشنه، برای تکه ای یخ صف می بندند، اگر کبرشان بیاید.

راضی نیست، می آیند از بچه های فیلم می گیرند و چند نفر هم را می توفیلیم نشان میدهند، در صورتیکه مردم ناراضی هستند.

مسئله مهمی که در بر خورد با آوارگان بنحو برجسته ای چشم می خورد، پی بردن به ضرورت تشکیل شورای آوارگان به واداره امور مربوط به آوارگان به دست خودشان است. زنهای مردها و جوانهای آواره ای که در شهرک هجرت با قریباً دو فغان مشکلات و اعتراضات خود را بیان میکردند، سرانجام بیک صدا میگفتند: "ما این مسئولان نمی خواهیم، باید بگذارند آرزوی خودمان را می فهمند، انتخاب کنیم و شورا درست کنیم."

از سوی دیگر مسئولان و دست اندر کاران را با مورا و آواره ها در جمهوری اسلامی هما تنده رجا دیگری، بشدت در مقابل این خواست توده ها می ایستند، چراکه همیشه از اتحاد و تشکل و آزرشد آگاه می توده ها میهراسند.

اکثر کسای که در لیست ج، یعنی حقوق بگیرها قرار دارند و جیره را یکسان نمیگیرند، شدیداً اعتراض دارند، و میگویند که، دوهزار تومان حقوق با ۸ نفر و ۹ نفر تان خورکافی نیست، پول نمی مانده از تعانی و جنس بخریم.

زندیکری میگوید: "جیره بجهام را قطع کرده اند و از بار فوطی ۳۵ تومان میخرم، چون شوهرم کارگر است و نصف حقوق میگیرد، به ما جیره نمیدهند، به ما ظلم میشود، آخر نصف حقوق شوهر من چیه که بتوانم گوشت ۷۰ کیلو، تومان بوشیرگران و چیزهای گران دیگر بخریم."

آوارگان مرتباً از مشکلات و درد های خودشان میگویند. رنج و بدبختی زیاد می تحمل میشوند، از این رویه مسئول شهرک قش میدهند و میگویند: "اگر بیایدین مردم، آوارگان و پاره میکنند، اینجا پارتی زیدزدی میشود، ما از این سیجیها و پاسداران خیلی ناراضی هستیم، اینجا هیچکس



شهرک علم الهدی - شوشتر - ردیف چادرها بر روی خاک و زیر تابش سوزنده خورشید "خوزستان" مصیبت و بدبختی هزاران انسان زحمتکش را به عریان بیان میکند.

عملکرد بودجه ۵۹، چشم انداز بودجه ۶۰:

فقر برای زحمتکشان، ثروت برای سرمایه‌داران

درآمد های عمومی	سال ۱۳۵۷	سال ۳۵۸	سال ۱۳۵۹
مالیاتها	۴۶۵/۹	۳۶۱/۴	۴۱۸/۲
نفت	۱/۱۱/۲	۱/۴۸۷/۸	۱/۷۵۴/۰
گاز	۱/۵	-	-
سایر درآمدها	۲۲۰/۲	۱۷۶/۲	۱۴۱/۵
درآمد های اختصاصی	۱۳۸/۴	۸۲/۱	۱۳۱/۲
منابع نامین کسری			
استفاده از اعتبارات سیستم بانکی و ...			
انتشارات و اوراق قرضه	۲۵۰/۰	۳۵۲/۸	۳۳۴/۲

و "درآمد" برای صاحب مناصب و نهادها و موسسات بی حساب و کتاب. این امر را عملکرد بودجه‌ای "دولت موقت" و "شورای انقلاب" به اثبات رسانده و اکنون بار دیگر در عملکرد بودجه دولت مکتبی مشاهده میکنیم. بررسی مختصری از بودجه ۵۹ و عملکرد آن میتوان در ارائه تصویری روشنتر از آنچه که امسال در پیش روی داریم، کمک کند.

سالهای طلائی تجار در جمهوری اسلامی

بودجه سال ۵۹، در عمل، بنا به شرایط بحرانی جاکم برجامعه و همچنین شروع و ادامه جنگ تا عادلانه ایران و عراق، با تغییرات مداومی که در اقدام آن صورت پذیرفت، بحرله اجرا درآمد. با وجودیکه در تدوین بودجه ۵۹ همان معیارها و ضوابط سالهای قبل رعایت شده بود و از این لحاظ هیچ تغییر اساسی در ترکیب بودجه بعمل نیامده بود که عدم اجرای آنرا مربوط به چنین تغییراتی بدانیم. لیکن پس از مدتی کوتاه که از تصویب بودجه می گذشت، بحث در مورد تدوین "بودجه اضطراری" مطرح شد. در این مورد مهندس سحابی در یک محاسبه سه روزنامه که با چنین عنوان کرد که "هزینه‌ها را پائین بیاوریم، جای درآمد های نفتی را با درآمد های مالیاتی و فروش محصول بنگاه های دولتی بپوشانیم و هزینه های عمرانی را بیشتر در جهت طرح های تولیدی که زودبشمر میسرند صرف کنیم، و طرح های رفاهی وزیرستانی را متوقف کنیم" (کبهان ۲۵، ۶، ۵۹) و سپس با شروع جنگ گسترده ایران و عراق لزوم "افزایش درآمد ها و کاهش هزینه ها" برای جبران کسری بازم بیشتری که هزینه های جنگی ایجاد نموده بود، عنوان شد. در عمل تمام فشار حاصل از این تغییر و تحولات برای پوشاندن کسری بودجه و تامین هزینه های جنگی بر زحمتکشان تحمیل شد و آنان را بیش از پیش به فلاکت کشانید. ترکیب درآمد ها و هزینه های بودجه و تغییرات آن گویای این وضعیت اسفناک است. جدول شماره ا خلاصه درآمد های دولت را در بودجه سالهای ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۰ نشان میدهد: خلاصه درآمد های بودجه عمومی دولت (مبالغ به میلیارد ریال)

با اواخر پس از مدت ها تبلیغات از طرف دولت مکتبی آقای رجائی میبایست بر تدوین بودجه ای کاملاً مغایر با گذشته و متفاوت از بودجه لیبرالها که بتواند در برگیرنده، منافع مستضعفین باشد، لایحه بودجه سال ۶۰ که در تدوین هم آن بودجه های گذشته و در برگیرنده، منافع "مستکبرین" میباشد، به مجلس تقدیم شود و با وجود موضع گیری های حامد مخالفین و موافقین، خیلی فوری به تصویب برسد. آنچه که مسلم بنظر می رسد اینست که با توجه به تداوم و حتی تشدید بحران اقتصادی در سال جاری، ادامه جنگ و اثرات ویرانگر آن و بی برنامگی رژیم جمهوری اسلامی، بودجه ۶۰ در کل نمیتواند از چارچوب بودجه ۵۹ فراتر رود و با تغییرات اساسی رادرخواست داشته باشد. و در حقیقت این مشت نمونه خروار است. در همین حال، لایحه بودجه ۶۰ آنچنان دست و پا شکسته به مجلس ارائه شد که نمایندگان نیز که قبلاً به دولت بی برنامگی مکتبیون رای اعتماد داده بودند، انگشت به دهان حیران ماندند که باید از چه دفاع کنند و با نسبت به کدام یک از فصول بودجه انتقاد نمایند. چرا که هیچ ارقامی در مورد درآمد ها و هزینه ها در لایحه ارائه نشده بود. و این نشانه واضح بی برنامگی رژیم میباشد. بودجه ۵۹ امسال که به رژیم اجازه می دهد بر اساس بودجه سال ۵۹ و اصلاحی های بعدی آن عمل نماید، نشانه ای از هیچ ضابطه در دخل و خرج دولت ندارد. در اصلاحیه بودجه سال ۵۹ که در آن میزان اغلب مواد مربوط به اعتبارات و ریز درآمد ها مشخص نشده بود و بتصویب مجلس رسید، آنچنان اختیاری به اجرا کنندگان بودجه می داد که آنها هرگونه که صلاح میدانند عمل کنند و هیچ حساب و کتابی هم در کار نباشد. مثلاً بودجه نهادی همچون "بنیاد مستضعفین" که شامل بیش از ۳۰۰۰ موسسه و صدها هزار هکتار از بهترین اراضی مزروعی است در بودجه سال ۵۹ و ولدا در بودجه امسال منظور نشده است. سیاستها و عملکردهای اقتصاد دیررژیم جمهوری اسلامی که انعکاس آنرا در نحوه تدوین و عملکرد بودجه میتوان مشاهده کرد جز فقر، بیکاری و گرانگویی هیچ چیز دیگری نصیب زحمتکشان نکرده است و اجرای بودجه پیشنهادی که ادامه بودجه سال قبل میباشد یعنی، تداوم و تشدید فلاکت برای زحمتکشان و سودهای سرشار برای تجار و سرمایه داران صنعتی

(جدول ۱) ماخذ: قانون بودجه سال ۱۳۵۹ با توجه به جدول شماره ابخوبی روشن میشود که رژیم با تمام ادعاهایش مبنی بر اینکه: "شیرهای نفت را میبندیم، کمتر تا در میزنیم، و سهم نفت را در ترکیب بودجه کاهش میدهم"، سهم درآمد های نفتی را در بودجه حدود ۷۳٪ که بیش از سالهای قبل است بر آورد کرده بود. ولی در عمل نتوانست مقدار نفت پیش بینی شده را صادر کند، و بنا بر این در میزان درآمد ها با کاهش شدیدی مواجه شد. مضافاً اینکه افزایش هزینه های جنگی نیز سبب شد که کسری بودجه بر آورد شده که ۱۶٪ کل بودجه را تشکیل میداد که ۱۳٪ کل بودجه افزایش یابد. سیاستهایی که رژیم جمهوری اسلامی در زمینه افزایش درآمد ها میتوانست اتخاذ کند عبارت بود از افزایش سایر درآمد ها در قسمت درآمد های عمومی و درآمد های اختصاصی، تغییر ضرایب مالیاتها در جهت افزایش درآمد های عمومی دولت و با اواخر اتخاذ شیوه ای در جهت افزایش تامین کسری از قبیل استفاده از اعتبارات بانکی و اوراق قرضه. حال ببینیم در عمل دولت چه سیاستهایی را اعمال کرد. بعلت وجود در کودمزمن وریشنه داری که بخش های خصوصی دولتی به آن دچار بودند (و هنوز هم هستند) امکان افزایش درآمد از طریق افزایش عرضه تولیدات و خدمات دولتی، "ابدا" میسر نبود. در حال دولت با افزایش قیمت محصولات و خدماتی که در انحصار ویا کنترل خود بقیه در صفحه ۱۴

عملکرد بودجه ۵۹، چشم انداز بودجه ۶۰:

بقیه از صفحه ۱۳

داشت، بخشی از کاهش درآمدها را احیان کرد. در سال گذشته، دولت بمتابسه بزرگترین کران فروش، قیمت محصولات و خدماتی چون گوشت، آرد، بنزین، دخانیات، برق و تلفن را افزایش داد. این اقدام، در شرایط وجود وضعیت تورمی شدید در جامعه، بصورت زنجیره‌ای به دیگر کالاها سرایت کرد و نرخ افزایش قیمت‌ها را شدت با لایرد.

یکی دیگر از اقداماتی که در قسمت درآمدهای دولت میتوانست دستخوش تغییر و تحول شود، ترکیب و چگونگی اخذ مالیاتها میباشد. اما در اینجا نیز دولت بنا به عملکرد و خلعت ضدا انقلابی، سیاستهایی را در پیش گرفت که حاصل آن جزینفع تجار و سرمایه‌داران صنعتی هیچ چیز دیگری نبود. در جدول شماره ۴ این سیاست صدخلقی رژیم به بارزترین شکلی منعکس شده است. (جدول ۲) درآمدهای مالیاتی (مبالغ به میلیارد ریال)

سال ۱۳۵۷	سال ۱۳۵۸	سال ۱۳۵۹	درآمدهای مالیاتی
۴۷۱/۵	۳۶۱/۴	۴۱۸/۲	مالیات بر شرکتها
۵۵/۸	۴۴/۹	۴۰	مالیات بر اشخاص حقوقی غیر دولتی
۵۹/۴	۴۸/۷	۸۵/۵	مالیات بر درآمد
۴۵/۱	۳۵/۷	۷۲	مالیات بر حقوق
۸/۸	۹/۲	۹/۲	مشاغل
۴/۹	۳	۴	مستغلات
۱۱/۲	۱۴	۱۱/۶	بهره
۱۴۶/۵	۹۱/۵	۱۰۵/۴	مالیات بر ثروت
			مالیات بر واردات

بطوریکه در جدول شماره ۲ مشاهده میشود، درآمدهای مالیاتی در مجموع به میزان ۵۷ میلیارد ریال در سال ۵۹ نسبت به سال ۵۸ افزایش یافته است. با راین افزایش مالیاتی عمدتاً بر کرده حقوق بگیران دولتی قرار داشت. به عبارت دیگر افزایش "مالیات بر درآمد حقوق" حدود ۶۵٪ از افزایش درآمدهای مالیاتی را شامل میشود. حال آنکه مالیات بر درآمد مشاغل و مستغلات حدوداً "در این دوره ثابت بوده و مالیات بر درآمد شرکتها ۴/۹ میلیارد ریال کاهش نشان میدهد. البته در عمل مقدار پیش بینی شده درآمدهای مالیاتی تحقق نیافت. در این باره مهندس سجایی نماینده مجلس در هنگام بحث درباره، لایحه

بودجه ۶۰ اظهار داشت: "درآمدهای مالیاتی دولت نیز کاهش پیدا کرد. شرکت‌های دولتی که حدود ۱۷٪ شرکت میباشند تنها خودکفا نبودند بلکه زیانی بزرگ بردست دولت گذاشتند. (می‌بینید جمهوری اسلامی چگونه شرکتها را "ملی" می‌کند). بهر حال، دولت برای احیان این کاهش در دریافت‌های مالیاتی شیوه‌هایی متوسل شد که نتیجه‌اش جز خانه خرابی با زهم بیشتر زحمتکشان نبود. و این در حالی است که بقول همان نماینده در سال گذشته "بخش خصوصی بدون استثناء سودبرده است. به اعترا ف خودشان، در بخش تجارت به خودستند گفتند سودی که در این ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است. ... و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است" (انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین ۱۳۶۰).

اما موضوع به همین جا خاتمه نمی‌یابد. رژیم جمهوری اسلامی که هزینه حفظ و حراست از شرکت‌ها و ورشکسته را بر مردم تحمیل و سرشکن میکنند و با کمال لادری (!) زمینهای چیاول برای بحار بزرگ و سرمایه‌داران را فراهم میکند و از افزایش مالیات بر جردرغاز حقوق کارکنان دولت نمی‌گذرد. در عوه نامین کسری بودجه نیز از زیان‌نازترین روش‌ها برای نووده‌های مردم اسفاده می‌کند.

دولت‌ها و احودا عمل سیاست‌هایی در جهت افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها (که کوشه‌هایی از چگونگی آنرا دیدیم) و علاوه بر نامین کسری بودجه به مبلغ ۳۳۴ میلیارد ریال از طریق بانک مرکزی (جدول ۱)، در او خرسال ۵۹، لایحه‌ای برای نامین کسری بودجه به مبلغ ۳۲۰ میلیارد ریال دیگر به مجلس ارائه داد. مالد مورد بحث نمایندگان این بود که آیا این کسری بودجه از طریق انتشار اوراق قرضه و قرض الحسنه نامین سودی از طریق اخذ وام از بانک مرکزی، یا به عبارت دیگر از طریق انتشار اسکناس؟ و با لایحه مجلس رای به انتشار اسکناس داد. انصاری نماینده مجلس دلایل رجحان این روش را اینتر انتشار اوراق قرضه جین عنوان کرد: "امروزاً بعداً امتدادی، انتشار اوراق قرضه ممکن است حجم بیول در کردی را کنترل کند و در نتیجه تورم را از این رهگذر مهار کند، اما آن طرف فضا طرف سیاسی مسئله انتشار اوراق قرضه در دهی چه عدم اطمینانی را نسبت به وضع موجود در میان مردم بوجود خواهد آورد" (میزان ۱۹ بهمن ۱۳۵۹). برای هیات حاکمه اصلاً مهم نیست که در شرایطی که تولیدات کاهش یافته و تورم بی‌ادامه می‌کند، افزایش حجم اسکناس بدون پشتوانه یعنی با زهم کراسی بیشتر. و آن‌انکه از این طریق بطور مستقیم زیان می‌بینند کارکنان و زحمتکشان هستند که با حقوقی نااست با ندمایحتاج خود را کراسی بر جرسند و در حقیقت نیروی ندارند با با کراسی قیمت‌ها، تروممدتر شوند. و آن‌انکه از این افزایش تورم سود می‌برند، بحار و سرمایه‌دارانند که کالاهای خود را بقیمتهای سرسام آور می‌فروشند و مدام

تروممدتر میشوند. اما چه بانک برای رژیم جمهوری اسلامی که کارکران و زحمتکشان زیر بار تورم خرد شوند. از نقطه نظر رژیم، "عدسیاسی" ماله اهمیت دارد، توهم نووده‌ها با بیادفرو ریزد، شرایط سودآوری برای بحار و سرمایه‌داران با بیادفراهم آید، و سپس میتوان کسبه خرده پارا بعنوان عاملین کران فروشی معرفی کرد و آن‌ها را به چهار رمیخ کشید.

بدین ترتیب دولت با بحریان انداختن ۲۴۰ میلیارد ریال اسکناس بدون پشتوانه دیگر، سیر صعودی قیمت‌ها را شدت بخشید.

کاهش هزینه‌ها، یا

افزایش فشار بر زحمتکشان

حال بینیم رژیم در زمینه هزینه‌ها چه سیاست‌هایی را اعمال کرد و چگونه زحمتکشان را وادار نمود که برای "صرفه‌جویی بیشتر" کمربندها را سفت‌تر ببندند. در این قسمت نیز همانند درآمدها، ابتدا با یک طرح از چگونگی هزینه‌ها در قانون بودجه ۵۹ مواجه‌ایم که در حین اجرا با تغییرات بسیاری روبرو شد. جدول شماره ۳ هزینه‌های عمومی دولت را پیش از آنکه دستخوش تغییرات شود، نشان میدهد. اعتبارات برحسب امور (مبالغ به میلیارد ریال)

سال ۱۳۵۷	سال ۱۳۵۸	سال ۱۳۵۹	امور عمومی
۱۶۱/۱	۲۳۷	۲۷۴/۸	از جمله: - حفظ نظم و امنیت داخلی
۵۹۰/۲	۳۰۸/۸	۳۷۷/۱	کسور دفاع ملی
۱۵۵/۳	۲۱۹/۳	۲۲۴/۱	از جمله: - برنامه سرسل نظامی
۶۰۴/۴	۳۹۱/۶	۵۲۲/۵	امور اجتماعی
۲۷۶/۴	۱۰۹	۱۳۹/۸	از جمله: - آموزش و پرورش
۸۰	۳۹	۵۷	بهداشت
۶۳۲/۳	۹۳۴/۵	۹۶۷/۷	درمان و تغذیه
			امور اضدادی

(جدول شماره ۳)

چنانچه از جدول فوق برمی‌آید در حالیکه هزینه‌های امور عمومی و از آن جمله هزینه حفظ نظم و امنیت داخلی کشور (یعنی هزینه سرکوب کارکران و زحمتکشان برای ایجاد شرایط مناسبی که بحار و سرمایه‌داران بتوانند سودهای سرشار دست‌یابند) از سال ۵۷ بد بعدتر با "درجا" افزایش یافته است، هزینه‌های امور اجتماعی مثل آموزش و پرورش و بهداشت و درمان نیز با فضا به هزینه‌های دفاع ملی سردر مجموع کاهش نشان میدهد. در نظر اول این امر از نکات مثبت بودجه‌شمار بقیه در صفحه ۱۵

عملکرد بودجه ۵۹، چشم انداز بودجه ۶۰

بقیه از صفحه ۱۴

می آید، اما در واقع امر چنین نیست. هزینه های پرسنل نظامی در طی این مدت نه تنها کاهش نیافته بلکه بمیزان ۶۹ میلیارد ریال (یعنی بیش از کل هزینه ای که برای بهداشت و درمان و تغذیه پیش بینی شده است) افزایش یافته است. در حقیقت کاهش کل بودجه دفاع ملی عمدتاً به موردی از هزینه های نظامی تحت عنوان "برنامه تهیه، تولید، نوسازی و بازرسی ساسی" مربوط میشود، که با توجه به قیام مسلحانه توده ها در بهمن ماه ۵۷ و ضربات ناشی از آن بر پیکار ارتش و همچنین ذهنیت و ظرفیت انقلابی توده ها که به رژیم جمهوری اسلامی اجازه بازسازی سریع ارتش و خریداری آنچنانی رژیم منحوس پهلوی را نمی داد، قابل توضیح میباشد. لیکن ارقام مربوط به هزینه های نظامی در عملکرد بودجه سال ۵۹ به همین صورت باقی نماند و در طول سال شدت افزایش پیدا کرد. و با شروع بازسازی ارتش تحت رهبری فرمانده کل قوا با استفاده از شرایط جنگ ایران و عراق، اکنون ارقام مربوط به هزینه های نظامی کلاً با آنچه که در جدول آمده، متفاوت میباشد که در این مورد ارقام واقعی در دسترس عموم نمی باشد.

مورد دیگر هزینه های عمومی دولت مربوط به موارداقتصادی است که نسبت به سال ۵۷ قریب به ۳۳۵ میلیارد ریال افزایش نشان می دهد، ولی این رقم بهیچ وجه با هزینه های واقعی امور اقتصادی در سال ۵۹ مطابقت ندارد. دولت با پیش گرفتن "صرفه جویی" در هزینه ها بیش از ۳۰٪ از اعتبارات عمرانی را "صرفه جویی" نمود. و بدین طریق عملاً "هزینه های اموراتقصادی افزایش یافته چندان نسبت به سال ۵۷ نیافت. و اگر نرخ تورم راهم طی این دو سال بحساب آوریم، هزینه های واقعی در اموراتقصادی بیش از نصف سال ۵۷ نخواهد بود. اما صرفه جویی در امور عمرانی به چه معنائی است؟ در حقیقت آنچه که بعنوان صرفه جویی در برنا ما می بینیم معنائی اعلام شده است، جز حذف برنا ما های عمرانی معنای دیگری ندارد. صرفه جویی زمانی معنای یابد که ضمن اجرای کامل برنا ما عمرانی در خارج آن صرفه جویی شود. حال آنکه بنا به اظهارات سران حکومت حدود ۳۰٪ هزینه های عمرانی جذب نشده است. و این بمعنی حذف ۳۰٪ از برنا ما های عمرانی است که نتیجه بلاواسطه آن افزایش بیکیاری در جامعه میباشد.

گرامی باد سالروز مبارزه دلاورانه

بقیه از صفحه ۴

و خواسته های حق طلبانه کارگران را چگونه خواهد داد. رژیم حافظ منافع سرمایه داران نشان داد که از اتحاد و مبارزه کارگران وحشت مرگ دارد. اکنون صحبت های یکی از رفقای کنونی سازمان را که در سال ۵۰ در کارخانه ارج مشغول کار بود در این رابطه بشنویم:

"خبر درگوشی سرعت بخش شد: جهان چیت اعتما باست. فردا از کرج به تهران راهی می کنند و قرار است کارخانه های جاده کرج به آنها بیوندند، ارج، جنرال موتورز و غیره فردا صبح کارخانه ما (ارج) ملتهب بود ما موران امنیتی بدون مخفی کردن خود به این طرف و آن طرف می رفتند و دستور میدادند که کسی حق تکلیف نخوردن از جایش را ندارد. در بزرگ ورودی کارخانه را بسته بودند و نگهبانان با اضطراب قدم میزدند. کسانی که یکدیگر را می شناختند بهم لبخند میزدند و می گویدند چشم زینجره ها بر ندارد روند خبر رسید تعدادی زکارگران جاده فرار به خیابان پریدند و بطرف جاده فرار کردند. خبر رسید برخی از آنان را قبل از رسیدن به جاده دستگیر کردند. کارخانه متشنج شده کسی عملاً کار نمی کرد. کارگران زکارگاهها بیرون ریختند. مزدوران نمی گذاشتند از کارخانه خارج شوند. لبها از خشم کبود

سیاست کاهش هزینه ها فقط شامل حذف طرح های عمرانی نبود، بلکه هزینه های جاری را نیز در بر گرفت. قطع اضافه کار روح مسکن و مزایای کارکنان دولت و همچنین لغو سودویژه از اقداماتی بود که حاکمیت بمنظور کاهش هزینه ها انجام داد. بعبارت دیگر در این قسمت از صرفه جویی های دولت نیز بارها مین کسری بودجه ببرد و ش کارگران و کارمندان جزء سنگینی کرد. به همراه این فشارهای توانفرسا و علاوه بر افزایش قیمت محصولات دولتی، قطع هزینه های سوبسید (هزینه ای که دولت بمنظور تشبیت قیمت کالاها ضروری می پردازد) در مورد بسیاری از کالاها یکی دیگر از اقداماتی بود که گرانتری را در زمان زد و فشا ریشتری بر زندگی زحمتکشان وارد کرد.

بنابراین، * در سال گذشته با وجود بی برنامگی کامل حاکمیت در امور اقتصادی و تغییرات مداومی که در اجرای بودجه ۵۹ صورت پذیرفت، یک سیاست مشخص از طرف حاکمیت اعمال شد و آن هم ایجاد زمینه های طلائی سودآوری برای سرمایه داران و بویژه تجار



بود و مشتها گره شده. خبر رسید که مزدوران شاه کارگران جهان چیت را به مسلسل پستند و خون سرخ جاده را پوشانده است... قریباً دهها درگلو مانده و لبها می لرزید. بعضی ها با سختی خود را به کناره دیوارها کشا نند و بیه آرا می دریا ای ن تکیه کردند. بقیه هم سیگار میکشیدند...

اکنون ۱۰ سال از گلوله باران - کارگران جهان چیت می گذرد. رژیم خونخوار آریا مهری هرگز نتوانست با توسل به این شیوه ها مانع سرنگونی حکومت خویش گردد. توده ها به خواستند و در یک قیام مسلحانه رژیم شاهنشاهی را سرنگون نمودند. اما رژیم جمهوری اسلامی نیز از آنجا که ما هیتا "بورژوازی و در خدمت سرمایه داران است هنوز مدت زیاد از قیام خونین خلق نگذشته بود که سرکوب و بیخون کشیدن تظاهرات و اعتصابات کارگران را آغاز نمود. حمله مسلحانه به کارگران بیکار درود، بیکاران اصفهان و کارگران میهنودر خمر مدله که هر یک منجر به شهادت چندکارگر شد، همچنین حمله مسلحانه به تحصن کارگران کفش ملی در اسفند ماه ۵۹ نمونه های کوچک از این موارد می باشند.

مبارزات کارگران علیه سرمایه - داران، علیه دولت های حامی آنها ادامه خواهد یافت و هیچ نیروی قادر نیست، با توسل به سرکوب و فشار جلوائی مبارزه را سد کند. کارگران ایران همچنان قاطع و پیگیر میمانند و خود را ادامه میدهند، و با مبارزات خود زاره سرخ کارگران جهان چیت را ادامه میدهند، و یادشان را گرامی میدارند.

"این ستون های ستبرای انقلاب! - به بهای فخر و خانه خرابی زحمتکشان بسود؛ حاکمیت از یکطرف با قطع اضافه کاری؛ حق مسکن و سودویژه و امثالهم، دستمزد و حقوق واقعی کارگران و کارمندان جزء را کاهش داد، و از طرف دیگر با افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی، قطع سوبسید و بجزایان انداختن سکناس بدون پشتوانه به افزایش فساد گسیخته تورم نام زد. و بدین طریق فشاری مضاعف را بر کارگران و کارمندان جزء وارد آورد. در حالیکه طی همین مدت، بخش خصوصی و بویژه تجار از سودهای گزافی بهره مند شدند ولی حتی یک ریال به مالیات آنها افزوده نشد؛ اکنون با تصویب بودجه ۶۰ سال ۶۰ ادامه همان عملکرد بودجه ۵۹ میباشد، و در شرایطی که بحران اقتصادی، انبساطی سابق ای یافته است، چشم انداز افزایش بی کار یوگرانی و تشدید فلاکت زحمتکشان در سال ۶۰، قریب الوقوع می نماید. بدین ترتیب، سال ۶۰ سال افزایش نا رضایتی عمومی، حرکت های اعتراضی توده ای و اعتصابات گسترده توده ای خواهد بود.

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

در شماره قبیل در ستون پاسخ به سئوالات، "موقعیت انقلابی" را مورد بحث قرار دادیم. در این شماره در ادامه همان سئوالات "اعتلاء انقلابی" را مورد بحث قرار میدهم.

اعتلاء انقلابی

اعتلاء انقلابی پروسه ایست که با رشد اعتصابات توده ای انقلابی آغاز شده و در صورت وجود شرایط عینی مساعدکاملاً امکان دارد که به موقعیت انقلابی بیانجامد. میتوان چنین بیان داشت که اعتلاء انقلابی به مثابه مرحله ای از پروسه رشد انقلاب محسوب میشود که دقیقاً پیش از وضعیت انقلابی قرار دارد. اعتلاء انقلابی توده ها نشانه های از خود بروز میدهد که میتوان به صورت زیر جمع بندی این نمود:

جنبش اعتصابی رشد توده ای پیدا کرده و خصلت انقلابی بخود میگیرد. دامنه اعتصابات بطرز سریعی بسط میابد. پراکندگی حاکم بر آن محوشده و بتدریج بشکل سراسری ظاهر میشود. اما این اعتصابات بویژه اعتصابات کارگری از نسوع معمول نمیشود. علاوه بر شکل سراسری، از دو خصوصیت دیگر برخوردارند. اول اینکه شماره اعتصاب کنندگان به نحو روز افزونی روبه تزايد میگذارد. لنین اهمیت قابل ملاحظه ای به این پارامتر (شماره اعتصابیون) میدهد. در جایی تنزل آنرا نشانه پایان انقلاب میگیرد. (لنین) "آغاز تظاهرات" - ترجمه سازمان بیکار - صفحه ۸) و جایی دیگر آنرا نشانه اعتلاء انقلابی. (لنین) "اعتلاء"

پاسخ به سئوالات

نهفته بوده و میباشد. اینها اعتصابات متداول نیستند، بلکه مبین یک جهش انقلابی توده ای اند. عبارت دیگر آغاز تهاجم توده های کارگر علیه سلطنت تزاری اند. (لنین) - "تأمرات در ارتش و نیروی دریایی" - جلد ۱۸) دیگر اعتصابات از محدوده صنعتی و حرفه ای خارج شده و به سطح ملی فرامیرود.

همچنین در شرایط اعتلای انقلابی خمودگی و ناامیدی مستولی بر روحیه توده ها جای خود را به احیاء انرژی و جنبش و جوش سیاسی میسپرد. توده های منفعل حالتی فعال پیدا میکنند و اعمال فردی آنها به اعمال توده ای ارتقاء میابد. تظاهرات خیابانی و میتینگ ها و فعالیت های تبلیغی اوج میگیرد. شهرها و روستاها شاهد قیام های پراکنده، خود بخودی و نیمه خود بخودی میشوند و بسیاری از مناطقی که تا این زمان در جنبش شرکت نداشتند، به جنبش میپیوندند. در این شرایط جامعه کاملاً ملایمی را در یکالیزه شدن سوق میابد و مبارزات انقلابی توده ها بصورت سدی در برابر پیشبرد ایده های فرمیستی درمی آید.

"اعتلاء انقلابی ممکنست سریع باشد یا آرام و نا منظم." (لنین) "آغاز تظاهرات" - سازمان بیکار - صفحه ۹) شرایط اعتلاء بخوبی بیانگر خواست توده های مبنی بر نفی "زندگی کردن بشیوه گذشته" میباشد. این اعتلاء پروسه رشد طبیعی خود، مکانیسم دولتی را زیر تا شیر گرفته و می تواند آنرا از هم بپاشد. در این صورت توانائی حکومت کردن بشیوه گذشته را از او سلب می نماید و این هنگامی است که وضعیت انقلابی حادث میشود و جامعه را یک بحران انقلابی در خود فرو میبرد.

انقلابی - منتخ آثار - ترجمه فارسی) دوم اینکه دو جنبه اقتصادی و سیاسی در این اعتصابات به نحو تنگاتنگی با یکدیگر پیوند میخورند. کارگران و زحمتکشان شهرده، مطالبات اقتصادی و سیاسی را بطور همزمان پیش کشیده و علاوه بر مبارزه برای بهبود اقتصاد زندگی روسه و خامت خویش، گام به گام به تعرض علیه دولت برخاسته و به پیت مبارزه انقلابی توده ای برای سرنگونی حاکمیت دست میزنند. لنین می نویسد:

اعتلای انقلابی در روسیه آغاز شده است. اعتصابات توده ای - آریل و مهبی انگر گذار پرولتاریای روسیه به تهاجم سرمایه علیه سلطنت تزاری میباشد. گذاری برای پیشبرد زندگی کارگران در معرض تسلیم و سرکوب فدا انقلاب سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ و برای رهایی تمام خلق، برای پیت جمهوری دمکراتیک... مبارزه پرولتاریا به یک مسئله اعتصابی در سراسر روسیه دارنده است. این اعتصابات همزمان با مبارزات اقتصادی و سیاسی اند. در ترکیب این دو جنبه است که نیروی جنبش

توضیح - از رفق و هواداران سازمان در آلمان پوزش می طلبیم که کدهای مالی ارسالی بدلیل کمبود جا خلاصه شده بود و موجب اشکالات و سوء تفاهاتی گردید.

مادر زحمتکش	۵۰۰
رفیق خانه دار	۵۰۰
رفیق کارگزار قائم شهر	۱۵۰۰
رفقای بابل	۲۰۲۵
رفیق ساسان دانش	۲۰۰
آموز ۲۰۰ ریال	
رفقای اندیشم	۴۱۰۰ م
اشکان	۱۰۰۰
مازادیون سوار	۲۲۵۰
دیرستان نه	
رئوفی ۲۰۰۰ آرم	۱۰۰۰
نواب ۵۰۰۰ اخگر	۱۰۰۰
آرم ۱۰۰۰	
مهرایران	۱۵۰۰

بدون حرف اول نام	۷۰۰۰	۱۲۰۰۰	۵۱۲	۲۵۵۵	۷۰۰	۱۶۹۶	۱۳۳۳	۱۱۳۶	۱۴۰۰	۲۱۱۲	۲۲۱۲۵	۳۰۶۶	۴۰۹۹	۲۷۵۰	۱۰۸۸۸	۳۰۰۰	۱۰۱۹	۱۹۹۹	۵۰	۷۲۲	۵۲۶۶	۳۰۰۶	۱۰۹۵	۲۴۳۲
ق	۲۲۴۰	۲۰۴۲	۲۳۳۳	۵۱۰۱	۱۶۶۶	ک	۴۱۲۳	۵۵۷۰	۱۰۲۴	۱۰۲۵	۲۱۱۱	۱۵۸۰	۸۳۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۱۰۴۲	۳۹۳۳	۱۰۲۵	۱۰۴۰۰	۵۲۳۴	۴۶۹۴	۲۲۰۰	۲۳۰۰	
۶۲۶	۱۷۱۱	۲۲۰۰	۱۵۲۱	۳۲۲	۶۰۱	خ	۳۱۲۰	۳۵۰۰	۵۲۹	۱۰۳۹	۲۵۷۰	۳۸۰۰	۱۶۱۱	۱۰۴۸	۹۱۴	۲۰۰۰۰۰	۹۵۰	۲۰۵۰	۱۱۱۱	ش	۱۱۱۵			
۲۵۲۵	۲۷۵۲	۳۶۰۰	۲۷۹	۶۰۰	۶۰۱	ط	۲۱۲۰	۳۵۰۰	۵۲۹	۱۰۳۹	۲۵۷۰	۳۸۰۰	۱۶۱۱	۱۰۴۸	۹۱۴	۲۰۰۰۰۰	۹۵۰	۲۰۵۰	۱۱۱۱	ش	۱۱۱۵			

با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید

یادآوری

چون ارسال پولهای بدون کسب، امور مالی سازمان را با مشکل مواجه ساخته است، لذا از همه رفق و هواداران میخواهیم که کمکهای مالی خود را الزماً با یک عدد سه رقمی و یک حرف مشخص نمایند. از ارسال پول بدون کد خودداری نمایند.

((امور مالی سازمان))

۵۲۰	۵۵۵	۱۰۰۰	۶۱۱	الف
ج	۲۰۱۷	۹۲۸	۲۷۸۱	۶۵۲
۲۰۰۲	۲۴۴۴	۳۰۰۰۱	۴۰۱۱۲	۳۳۴۰
ح	۶۵۰	۱۰۷۷	۲۳۰۰	۵۹
۶۵۰	۵۸۰۰	۵۶۶		

بازداشت و زندانی کردن

سعید سلطانیپور

را محکوم می کنیم

بقیه از صفحه ۱
بازداشت سعید سلطانیپور شخصیتی که سالها در شرایط خفقان و سرکوب رژیم شاه مبارزه کرد و چندین سال در زندان بسربرد، چه معنای جز دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با نیروهای انقلابی میتواند داشته باشد؟ البته این دشمنی رژیم بر هموطنان آگاه و مبارزان ما پوشیده نیست و نمونه های آن - سران طی دو سال گذشته در سیاستهای سران جمهوری اسلامی علیه فدائیان و مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی دیده ایم. اما مسئله ای که امروز مطرح میشود اینست که رژیم در ادامه سیاست های سرکوبگرانه و اختناق خود،

در ادامه سیاست سلب آزادیهای سیاسی، توسل به ترور و در هم کوبیدن قهرآمیز اعتراضات توده ای حتی از بازداشت هنرمندان انقلابی نیز خودداری نخواهد کرد تا بحال خود بهر قیمت که شده جلورشد مبارزات توده ها و آگاهی آنها را سد کند و خود را از سقوط اجتناب نپذیرد. اما تاریخ مکرر این واقعیت را با ثبات رسانده است که رژیمهای فدخلقی، حتی با توسل به فاشیستی ترین شیوه ها و بیرقهای رژیم ترور و اختناق نتوانسته اند با بهای هرزانی حکومت خود را مستحکم سازند و به حیات تنگین خود ادامه دهند. اگر رژیم شاه توانست با انباشتن زندانها از نیروهای انقلابی، با ایجاد جوار غاب، ترور و خفقان موجودیت تنگینش را حفظ کند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست، با بهای هر چه خود را مستحکم سازد. توسل به چنین شیوه های تنگینها منجر به نجات رژیم جمهوری اسلامی نخواهد شد، بلکه نفرت و خشم توده ها را علیه این رژیم هر چه بیشتر برخواهد انگیزد و پایه های آنرا

متزلزل تر خواهد نمود. امروز که رژیم جمهوری اسلامی به آشکارترین نحوی سیاست سرکوب و اختناق را در پیش گرفته است، امروز که رژیم میکوشد هر گونه اعتراض و هر چه صدای در گلو خفه کند، وظیفه نیروهای انقلابیست که بیگمراهانه در برابر این سیاستها ایستادگی کنند و رژیم را به عقب نشینی وادارند. ما باید با سیاست سعید سلطانیپور مقدمه ایست برای بازداشت همه انقلابیونی که علیه سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، با افشای سیاستهای سرکوبگرانه و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، با اعتراض به بازداشت سعید سلطانیپور، بمبارزه علیه سیاست سرکوب و اختناق ادامه دهیم.
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن محکوم کردن این اقدام رژیم جمهوری اسلامی، از همه هموطنان مبارزان از همه سازمانها و انقلابی و شخصیتهای مترقی دعوت می کند که در جهت آزادی سعید سلطانیپور و سایر عرو هنرمندان انقلابی از زندانها و رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند.

سابقه تاریخی

خیانت های حزب توده

بقیه از صفحه ۸

بود، در دوره ذلت شاه بدنبال متحدی دیگر در درون هیئت حاکمه و بدنبال جناح های خوب و دوراندیش حاکمیت میکشست و بدینا ز سرنگونی شاه نیز پیدایمان حاکمان جدید پدید آمد. حزب توده به پیرو خط امام بدل شد و در این رابطه از هیچگونه دروغ و تحریف ایستاده نکرد. این دروغها و تحریفات آنچنان گسترده و در تمام زمینه ها است که ذکر تمام آنها "هفتاد منگاو غذا شود" برای آخرین نمونه به مودی اشاره میکنیم که شاید خود آقای کیانوری هم آنرا فراموش کرده باشد! آقای کیانوری در محامیه خود در مردم شماره ۱۱ میگوید: "ببینید چه کسی نخستین بار آمریکا را به عنوان دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کرد... حزب توده ایران تنها نیرویی بود که دوران طولانی بکه فقط یک اعلام کرد که آمریکا دشمن شماره یک است. آنوقتی که حتی انقلابی ترین نیروها شکی که مورد احترام ما بودند می گفتند آمریکا دولتی است که میتوان بعنوان دوست از آن استفاده کرد... چملات بسیار معقولی است اما متأسفانه (!) حتی بین موضعگیری نیز دروغ و فریبی بیش نیست. "حزب توده" خود نیرویی بوده که در زمانیکه رجال مترقی با آمریکا به ستیز برخاسته بودند فریاد میزدند - " آمریکا دولتی است که میتوان بعنوان دوست از آن استفاده کرد". در این مورد بهتر است به سال ۱۳۲۳ برگردیم. زمانی که آمریکا یورش خود را جهت دست اندازی به ایران آغاز کرده و

حتی یکسال قبل قرارداد تنگین بین پنتاگون و ژنرال رمری ایران بسته شده است. در این سال آقای کیانوری میگوید: " اینها بدانند که دوستی ایران و آمریکا بگذشتی است که فقط بر اساس قرارداد های سیاسی استوار باشد نیست. دوستی ما نتیجه یک سیاست بیطرفانه سالیان دراز و دو ملگ است... دولت آمریکا در طی تاریخ قرن اخیر خود را مدافع آزادی و دموکراسی معرفی نمود و عملاً هم این موضوع به اثبات رسیده است... ما علاقه خاصی به نگهداری این مناسبات دوستانه داریم. و به هیچ قیمتی اجازه نخواهیم داد که یکمشت ما جراحی خاش برای ما تا مین منافع پست خود در این روابط که در آتیه برای ملت ایران ذیقیمت خواهد بود، اختلالاتی تولید کنند". (رهبر شماره ۲۶۲) بله! آقای کیانوری که در آن زمان "علاقه خاصی به نگهداری مناسبات دوستانه" بین ایران و آمریکا داشته و به هیچ وجه حاضر نبوده در این روابط که "در آتیه برای ملت ایران ذیقیمت خواهد بود" کوچکترین اختلالی ایجاد شود، ایک مدعی است که "حزب توده" اولین نیرویی بوده که آمریکا را دشمن درجه یک معرفی کرده و... و این رشته سردراز دارد.

۲- دروغهایی که "حزب توده" در مورد مبارزات خود و مبارزات خلق میگوید! "حزب توده" تغییر مواضع گذشته خود را کافی نمی بیند و از این جهت سعی دارد برای خود سابقه مبارزاتی نیز دست و پا نماید تا شاید بدین طریق بتواند هر چه بیشتر در جهت نزدیکی با حاکم جدید کام بردارد.
در ابتدا "حزب توده" ادعای رهبری مبارزات کارگران غیر نفت را به پیش می کشد. "حزب توده" مدعی می شود که کارگران صنعت نفت تنها و تنها ساز او حمایت میکنند و در اعصاب خود پیرو سیاستهای "حزب توده" اند (اطلاعات ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷) این

دروغ بیشتر ما نه کارگران قهرمان نفت را به خشم می آورد و در اطلاعیه ای آنرا تکذیب میکنند. اما "حزب توده" از این نمی نشیند و پس از قیام مدعی می شود که با سازمانها و مشکلاتی در قیام شرکت داشته و بیشترین تعداد شهید را نیز تقدیم خلق کرده است! در واقع تعداد اعضای حزب ما که در این پیگیر (قیام) شهید شده اند از هر سازمان دیگری بیشتر است. این برز منگوان به نام "پارتیزانهای توده ای" شهرت داشتند ولی پس از انقلاب این سازمان منحل شد زیرا دیگر نیازی بدان نبود. (مردم دوره جدید - شماره ۱۱) فقط بی یک صورت میتوان این سخنان را پذیرفت و آنها اینک این سازمان نظامی "حزب توده" آنچنان مخفی کار را رعایت نموده و پنهان عمل می کند که قبل از اعلام انحلال آن توسط آقای کیانوری کسی نامش را شنیده و نه کسی "پارتیزانهای" را دیده است! بهر صورت این دروغها جز تمسخر مردم چیزی را بدنبال نداشت اما بهر صورت حسن ختامی میگردد بر ۲۵ سال فراخاکنانه رهبران "حزب" ایران باز میگردد و با ردیگر فصلی نوین در خیانت های "حزب توده" گشوده میشود "خط اصولی و منسجم". "حزب توده" اینبار بدنبال آیت الله خمینی روان میگردد. مساله جالبی اتفاق می افتد. "حزب توده" اینبار به همراه هیئت های پزشک های مذبح خانه خود که در پیروی ز قدر تمدا را زوتغییرات آنها میزند به تقلید کورکورانه از زیگراگهای "خط امام" نیز میپردازد. و تا جایی پیش میرود که مینویسد "انحراف از خط امام" از جانب هر کس که باشد انحراف است (مردم شماره ۱۰۸) و بدینصورت قاطعانه! اعلام میدارد حتی پرولتاریا نیز حق ندارد از "خط امام" منحرف شود.

ادامه دارد

مبارزات روستائیان ترکمن صحرا برای کشت شورائی زمین ها روستای "بی بی شیروان"



روستائیان بی بی شیروان ترکمن صحرا پس از قیام طی مبارزه مسلحانه زمینداران بزرگ و فئودالها به کمک ستاد مرکزی شورا های دهقانی ترکمن صحرا اقدام به تشکیل شورا نمودند و تمام زمینهای زمینداران بزرگ را معارضه کردند. زمینداران و فئودالها که از این عمل انقلابی زحمتکشان روستای بی بی شیروان خشمگین شدند و دستاوردان را ابتدا دست به تفرقه افکنی میان ترکمنها و زابلی ها رسانیدند و زمینداران را از کین خود سعی زدند تا بوسه خن شوراها کردند، اما دهقانان روستای بی بی شیروان فرقی بین خود و زمینداران زابلی قائل نیستند (۷۵۰۰ هکتار از زمینها معارضه شده و اراضی را زابلی ها قرار دادند و ۳۸۵۰ هکتار زمین را هم خود بمرت شورائی بطور کامل به کشت گندم و پنبه اختصاص دادند. اما جهاد سازندگی و بنیادیه ها تهاجم واگذار می نمایند به زابلی ها ۸۵۰۰ هکتار زمین را تصاحب کردند و با وجود امکانات وسیع خود فقط ۳۵۰۰ هکتار را رازبیر کشت بردند و بقیه زمینها را زمینداران زابلی و غیر ترکمن کشت ندادند و بدینگونه آنها را به صورت روزمزد به کارگزاران روستائیان

انگیزان زحمتکشان روستائیان "بی بی شیروان" بهمراه تمامی زمینداران ترکمن صحرا تا حدود روزگویی های این حامیان سرمایه داران و زمینداران هستند. اما دیری نخواهد حق خود دریا فتن آگاهی مبارزاتی همدا با دیگر دهقانان فریادسور می آورند که "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند".

روستای "بارقی قیه"

روستائیان "بارقی قیه" که در نزدیکی سدوشکیر قرار دارند بدینال مبارزات دلاورانه خلق ترکمنستان موفق شدند ۵۰۰ هکتار از زمینهای فئودالها را معارضه کنند و بزرگ کشت شورائی ببرند. اما نزدیک شدن فصل کشت اهالی این روستا شروع به آمد نمودن زمین می کنند و در تاریخ ۱۹/۱۲/۵۹ که مشغول شهمزین بودند عوامل جها دسازندگی به روستا مراجعه میکنند و مانع شخم

شیوه های جدید تروریسم

بقیه از صفحه ۲۰
هفته اخیرا کمینجر به کشته شدن هم وطنان زحمتکش ما شده بنشدت محکوم می کنیم. طوفان نفجارتنا رنگ در میان نظر هر کسندگان را که در آن در پیای حکومت، سپاه پاسداران و کمیته ها بخوبی نمایان اختیاری شد در بیرون و جوی محکوم می کنیم.
ما به هموطنان آگاه و مبارزان همدار امید داریم که رژیم جمهوری اسلامی با توسل به تروریسم و جوجا مفرات بیش از پیش مستحکم کرده و در حال زمینبسیه چینی برای یک جنگ داخلی و تفرقه بین ایران به یک لبان درگیر است.
ما به مردم قهرمان ایران و تمام نیروهای انقلابی و مترقی همدار امید داریم که متوجه حساسیت اوضاع بوده و اجازه

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۲۰
مهاباد

در جریان درگیری که در تاریخ ۲۰ و یکم فروردین بین پاسداران سرمایه و پیشمرگان خلق کرد در ۳ کیلومتری مهاباد در ۴۰ نفر از افراد سپاه کشته و بقیه زخمی شدند. در این درگیری یکی از پیشمرگان نخب دموکرات نیز شهید شد. مدت کوتاهی بعد از درگیری هلی کوپترهای ارتش به مهاباد حمله کرده و چندراکت در حومه شهر برتاب کردند.

سندج

اهالی شهر سندج طبق مراسم خود، روز اول فروردین به قبرستان "تایله" رفتند تا از شهدای جنبش مقاومت تجلیل کنند. مردم مریزا ره شهیدی که میرسدند سرودهای انقلابی می خوانند و از یاد میگردند. بعد از مدتی با سنگ پراکنی جاشها بطرف جمعیت جوتنییر کرد و جاشها و با پاسداران که قبرستان را محاصره کرده بودند شروع به تیراندازی کردند و هنگامی که جمعیت در حال متفرق شدن بود پاسداران دست به دستگیری زدند. شازده نورا جوانان را دستگیر کردند. در حال حاضر در شهر جاشها و جاشها سرکوب حاکم است، رفت و آمدها کنترل می شود و در طول روز بعموم در مناطق شلوغ شهر، ژ - ۳ بدستان نگهبانی میدهند و یک رسیو ماشین ارتشی مسلح به تیربارکا لیسره در شهر گشت میرند با اینهمه خلق کرد در راه بدست آوردن حقوق حقه خود به مبارزه ادامه میدهند. اخیرا در جاشها اعتراض در مدارس زیاد بوده است و مردم همچنان کمک های میدرین خود را به پیشمرگان قهرمانان میرسانند.

مطلب: میتوان بوقا به دبیرستان جامع (شاهپور سابق) اشاره کرد. مسئولان این دبیرستان چهار نفر ساز داداش آموزان را اخراج میکنند و نیز اعلام میدارند که دبیرستان تا امتحانات تعطیل خواهد بود. در این امتحانات فقط در ساعتی که امتحان دارند می توانند مدرسه به بیابند، روزیست و دوم فروردین شاگردان این دبیرستان در اعتراض به این دومرود و نیز خفقان موجود دست به تجمعی میزنند. ظهر همان روز دبیر قبول میگردد، و لا امتحانات راده روز بتعمیق بیندازد تا این مدت دبیرستان تعطیل نباشد. اما داداش آموزان برای رسیدن به خواسته های دیگر خود با فشار می کنند. ساعت چهار بعد از ظهر جاشها و پاسداران مدرسه را محاصره کرده و وحشیانه به داداش آموزان حمله می کنند. عسده زیادی را مجروح و ۴۲ نفر را دستگیر می کنند.

فردای نوروزا الدین دستگیر شدگان و سا یوداش آموزان جنود دبیرستان جمع کرده و خواستار آزادی آنها میشوند و حتی مدیر قول آزادشدگان را میدهد متفرق می شوند اما پاسداران که از هیچ کاری ابا ندارند و جز ایستادن در مقابل توده ها و سرکوب آنها چیزی نتوانسته اند، با زهم به داداش آموزان یورش میبرند و شش نفر دیگر را دستگیر میکنند و در مقابل فشار جمعیت حاضر، مجبور میشوند بلافاصله آنها را آزاد کنند.

پیشمرگان جنبش مقاومت در تاریخ سی فروردین به یک مقرنبروه های سرکوبگر جمهوری اسلامی در خیابان سیروس حمله کردند. در این حمله چند تن از مزدوران کشته شدند و سز دوران دیگر که دچار وحشت و هراس شده بودند تا صبح بدون هدف تیراندازی میگردند و خود جرات خارج شدن از مقرستان را نداشتند.

گرامی باد خاطره ۱/۵ میلیون شهیداران در ترکیه

۲۴ آوریل (۱۵ اردیبهشت) معادف بود با سلولگردقتل عام یک میلیون و با نمد هزار نفر از ارامنه توسط دولت ترکیه. هفتاد و چهار سال پیش در سال ۱۹۱۵ حاکمیت جدید عثمانی که بدست "ترکهای جوان" برقرار میگردید برای سرکوب قومی جنشها از دیدن ارامنه طوفان شومنا بودی آنها را طرر ریزی کرد. بورژوازی خود بنیست ترکیه قصد داشت با قتل عام ارامنه مسئله خلق ارامن را برای همیشه "حل" کرده و به نگرانیهای دولت عثمانی از جهت داخلی و خارجی خاتمه دهد! آنها ضمنا میخواستند شورشهای این خلق تحت ستم را تمام کرده و تمام منطقه انا تولی را به یک منطقه ترک نشین تبدیل کنند.

فاجعه قتل عام ارامن آنجا آغاز شد که در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ حکومت عثمانی صدها تن از روشنفکران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، پزشکان و... ارامنی را دستگیر کرده و با خنای مختلف از بین برد. و بدینا آن کشتار دسته جمعی توده ها آغاز شد. ما موران جنایت کار دولت عثمانی به بیانه کوچ مردم ارامن قتل گنجی به نقاط امن، آنها را از روستاها و شهرها میسکون نباشان خارج نموده در بین راه قتل عام کردند و با ویران کردن روستا های ارامنی شش سیایز ساکنین آنها را بقتل رساندند. هموات و بیرحمی حدود مرز می شناخت. از کودکان خردسال گرفته تا افراد کهنسال از تیغ آنان گذشتند. اما سال ۱۹۱۵ نه تنها سال سیاه کشتار خلق ارامنی است بلکه سال مقاومت قهرمانانه توده های ارامنی است که در جنگها برای بر حما به همت آفریدند.

ما خاطره ۱/۵ میلیون شهیدار ارامنی و دلاوریهای این خلق قهرمان را گرامی میداریم. ما بمناسبت این روزگه برای هموطنان ارامنی ما بسیار عزیز و گرامی است. همبستگی خود را با آنان اعلام داشته و مطمئن هستیم که رگوان زمینکشان و سایر اقشار خلق ارامنی در مبارزه خود در کنار خلقهای ایران و ترکیه و... علیها میربا لیسیم و با نگاه دانا و خلبش به مبارزه ادامه داده و در این میان جریانات ارتجاعی نظیر... در شاکیسون را که طی یک قرن خیانت خود به توده های ارامنه ما هیت ضد خلقی خود را نشان دادند و با تکیه بر نیروی شومس ارامنی و با من زدن به اختلافات بین خلقها در خدمت امپریالیسم و سرمایه با ریجها تیرا رگرفته اند، رسوا و طرد خواهد کرد. درود به شهدای دلاوران ارامنی.

رژیم جمهوری اسلامی که در هیچ مقطعی از حاکمیت خود دست از سرکوب خلقها و توده ها برنداشته است و بخصوص در کردستان همیشه بیشترین نیروی سرکوب خود را مستقر کرده است حتی در کرمان گرم جنگ با عراق اخیرا در این منطقه دست به حرکات تازه و باجایی و نیز نقویت نیروهای نظامی خود کرده است. از جمله نقویت با دگان سندج است و نیز ترک کشتن از افراد مزدور قیامه وقت. هر روز گامهای سریع ارتش در جهت نقویت با سازای این ارتش دست پرورده امپریالیسم برداشته میشود. اخیرا حدود هفتاد و هفت نفر از افراد قیامه وقت برای گرفتن سلاح و مهمات و تجهیزات جدید وارد دگان سندج شده اند. هم چنین در هفته های اخیر تقریبا هر روز و بخور مرتب سربازان جدیدی به پایگاه های با دگان میا و رند و آنها را که قبلا آماده اند در نقاط دیگر کوردستان تقسیم میکنند. بنظر می آید که تا تاریخ بیستم فروردین چهار یا پنج هزار سرباز جدید وارد دگان سندج شده اند. به این سربازان آموزش گرا تا مدت و سریع داده میشود.



شبهه‌های جدید تروریسم انفجار نارنجک در بین تظاهرکنندگان را شدیداً محکوم می‌کنیم

روز دوشنبه ۲۱ فروردین در جلوی دانشگاه تهران در تظاهرات نارنجک بدون صف تظاهرکنندگان سه نفر گشته و سی نفر مجروح گردیدند. این تظاهرات بدعتی و آشوبگرانه دانشجویان هوادار سازمان پیکار رجهت اعتراض به تعطیل دانشگاه‌ها انجام گردیده بود. روزنامه جمهوری اسلامی و مقامات دولتی پیش‌رمانه اعلام کرده اند که نارنجک توسط خود تظاهرکنندگان - پرتاب شده و این عمل بخاطر مظلوم نمایی "صورت گرفته و خواسته اند با این ترتیب دیگران را مقصراً جلوه دهند! این سخنان روزنامه جمهوری اسلامی سخنان شاه جنایتکار را بخاطر می‌ورد که پس از گذشتن مبارزان اعلام میگرد خودشان، خود را تظاهرکنندگان و با این ترتیب جمهوری اسلامی را به تریب و اقصیت کشیده و در عین حال به توجیه این جنایت فحیح عوامل خود می‌پردازد.

همچنین در چند هفته گذشته ترور - مبارزان در سراسر کشور با دگرگونی ای پدید آمده است. تنها در سال جدید (که یکماه از آن گذشته) بیش از ده نفر در شهرهای شیراز، بندرعباس، قائمشهر، مل، قزوین، کتلم، تهران با گلوله به شهادت رسیده اند. مبارزان نیروهای انقلابی بموقع هتدای دادیم که رژیم دست به آتش بسازی خطرناک کرده است که لهیب آتش آن قبل از همه دامن خودش را خواهد گرفت. اما حوادثی که روز دوشنبه در جلوی دانشگاه تهران بتوقع پیوست بعد جدیدی از تروریسم را بنمایش گذاشت. انفجار نارنجک در بین مردم بی دفاع توسط عوامل رژیم معنی اش گشودن باب جدیدی در عرصه خشونت‌ها و سرکوبی توده‌هاست.

رژیم وقتی دید که چاقو قدری ز نظر ارباب دارعب و ترس در بین مردم اثرش را از دست داده و مردم بدون ترس در تظاهرات شرکت کرده و به مقابله بر میخیزند، شیوه تروریسم را بکار گرفت و مبارزان را در خیابانها به گلوله بست. و اینک رژیم در این اقدام ضد انقلابی قدمی فراتر نهاده است. این عمل هدفش ایجاد ترس و ارباب بین مردم و جلوگیری از شرکت توده‌ها در تظاهرات اعتراضی نیروهای انقلابی و مترقی است. این اقدام شیوه تروریستی وحشیانه است که اگر از جانب عوامل رژیم متوقف نشده و از آن جلوگیری نشود میتواند عوامل قب و پس و خمیری را بدنیال داشته باشد. ما هم چنانکه بمب گذار ریه‌های چن

بقیه در صفحه ۱۹

خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

در درگیری زحمتکشان روستای دارلک با سرکوبگران خلق کرد دههاتن از مزدوران کشته شدند

روستا روبرو شد و در مدت کوتاهی هاالی روستاها ای طرف نیز به آن پیوستند. درگیری تا ساعت ۱۹ هما روز ادامه داشت. در این درگیری بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای سرکوبگر کشته و بیش از ۱۵۰ نفر از این مزدوران زخمی شدند. ضمناً "دو تانک آنان نیز منهدم گردید. در طی این مقاومت دلیرانه ۲ پیشمرگ حزب دموکرات و سه نفر از اهالی روستا به درجه شهادت رسیده و با خون سرخ خود پرچم رژیم خلق کرد را جلائی تازه بخشیدند. این شکست فاحش رژیم بتحوقاً بتل توجهی روحیه خلق کرد را بالابرده و عزم آنان را پیروزی استوارتر کرده است.

یکبار دیگر خلق کرد جواب دندان شکنی به حاکمیت داد و با درهم شکستن آنها جم‌نیروهای سرکوبگرشان را دگه خلقها شکست نا پذیرند.

در ساعت ۶ صبح دست و چپسارم فروردین ماه یک ستون نظامی مرکب از افراد ارتش، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین و به همراهی ملاحسنی این جلاذ خلق کرد و ترک به اسم "یا کسای" به روستای "دارلک" در ۱۵ کیلومتری مهاباد حمله برده و با استفاده از تانک، توپ، و خمپاره، روستا را زیر آتش گرفتند. این حمله با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان مستقر در آبادی و سایراهالی

بقیه در صفحه ۱۹

در درگیری های قائمشهر، چهار نفر شهید و گروهی مجروح شدند

دادستان و فرماندار قائمشهر در رأس چماقداران و فالانژها، به نیروهای سیاسی حمله می‌کردند

روزنامه‌های آنها را می‌چاپد و پاره میکند که یکی از دختران مشت محکمی برده‌ها او میکوبد. مردم در اطراف آنها جمع میشوند و دفاع از دخترهای مبارز می‌پردازند، دادستان و هم‌اهاش با وضع فضاحت باری می‌گیرند. وحشیگری‌ها و ایجاد اغتشاش از سوی حزب الهی‌ها پایان نمی‌گیرد، بعد از ظهر سه شنبه اول اردیبهشت، فرماندار شهر فالانژها را جلوفرمانداری جمع میکنند و با سخنان تحریک آمیز خود، ضمن تهدید نیروهای سیاسی به سرکوب، ششونندگان خود را آماده یورش به این نیروها و برهم زدن جوشهر میکند بعد از پایان سخنرانی! فرماندار، حزب الهی‌ها در معیت پاسداران و کمیته‌چی‌ها به (مجاور محله) و کسانی که در آنجا به بحث و گفتگو و یا فروش نشریه مشغول بودند حمله کردند. درگیری آغاز شد و تا شب بطول انجامید و طی آن سه نفر از هواداران مجاهدین خلق شهید و گروهی مجروح شدند.

صبح روز بعد که مردم میخواستند جنازه این شهدار را تشییع کنند با هم با حمله و قیاحانه حزب الهی‌ها روبرو شدند، فالانژها که از شهرهای دیگر

بقیه در صفحه ۱۷

رژیم جمهوری اسلامی که از آگاهی و رشد مبارزات توده‌ها هراس دارد و سعی میکند با ایجاد رعب و وحشت و جو خفقان و سرکوب، مانع گسترش مبارزات آنها شود، با برپا کردن درگیری‌های خیابانی و برراه انداختن باندهای سیاه و دسته‌های حزب الهی هر روز در گوشه‌ای از میهنمان فاجعه می‌سازد و نیروهای انقلابی را ترور میکند و دست به سرکوب خلق‌ها میزند. درگیری‌هایی که تنها از آغاز سال جاری تا بحال در شهرهای مختلف صورت گرفته چندین نفر از نیروهای انقلابی را به شهادت رسانده و مجروح کرده است. از جمله در قزوین، زنجان، بندرعباس، آمل، بابل، لاهیجان، گرگان، بروجرد قائمشهر و بسیاری دیگر.

درگیری‌های قائمشهر از دو هفته قبل آغاز شد. روز بیست و چهارم فروردین در حمله فالانژها و پاسداران به هواداران مجاهدین و سایر نیروهای مترقی چند نفر زخمی شدند. روز سی فروردین در خیابان ساری، دادستان شهر (نعیمی) و چندتن از محافظین او و اعضای کمیته مشترک به دو دختر که نشریه مجاهد را می‌فروختند حمله کردند. دادستان انقلابی! جمهوری اسلامی

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر